

آسیب شناسی فرهنگی ختنه پسران در ایران با محوریت حقوق کودک و

حق بر بدن

کامیل احمدی^۱

پژوهشگر و مردم شناس، تخصص روش تحقیق و کارشناسی ارشد مردم شناسی اجتماعی، دانشگاه کنت- انگلستان

چکیده

عمل ختنه یکی از مهمترین و شایع ترین اتفاقات دوره کودکی پسران و آئینی با قدمت کهن در برخی از جوامع دنیای امروز بویژه ایران است که علیرغم نقض وجوه مختلف حقوق کودک، همچنان رواج دارد؛ با وجود این دانش علمی متناسبی در ارتباط با این پدیده و ابعاد مسئله آمیز و پیامدهای پیدا و پنهان آن تولید نشده است. در جوامع سنتی انجام عمل در عضو خصوصی بدن کودک همراه با آئینی خاص با هدف کاهش اضطراب کودک برای ورود به مرحله بزرگسالی انجام می شود ولی در جامعه معاصر هر فرد زیر 18 سال کودک محسوب می شود و هرگونه تغییر در اندام او بدون دخالت و اجازه خود کودک و برگزاری مراسم ختنه سوران نه تنها تجاوز به حقوق کودک است بلکه ماهیت ضد آموزشی نیز دارد. در این مقاله دو هدف اصلی دنبال شده است: ابتدا واکاوی ابعاد فرهنگی و مذهبی مسئله ختنه پسران در جامعه ایران و سپس شناخت عینی این مسئله با نگاهی به حقوق کودک و حق بر بدن برای کمک به تدوین برنامه ها و سیاست های موثر در کاهش و رفع تبعات و پیامدهای منفی آن. برای این منظور جدای از مطالعات اسنادی و کتابخانه ای و بهره گیری از پژوهش میدانی با رویکرد کیفی به ارزیابی تجربیات مشارکت کنندگان بر اساس مصاحبه هدفمند در میان تعدادی از ایرانیان ختنه شده ساکن داخل و خارج از کشور و نیز مصاحبه با برخی متخصصین و صاحب نظران علمی پرداخته شد. آنگونه که شواهد میدانی و اسناد تاریخی موجود نشان می دهند نقش دین در تداوم عمل ختنه تعیین کننده بوده است به طوری که در طول تاریخ همواره افرادی بوده و هستند که این عمل را انجام می دهند بی آنکه جز پیروی از دستورات دینی، دلیل مشخص و روشنی درباره آن داشته باشند. باور نهادینه شده ای برگرفته از دین و فرهنگ، درباره نتایج مثبت ختنه، برخی افراد و گروه های اجتماعی را به آنجا می رساند که ضمن پذیرش عوارض احتمالی ختنه، این اقدام را بنابر توصیه و

¹ <http://kameelahmady.com> & Kameel.ahmady@gmail.com. محقق و مردم شناس :

دلایل پزشکی انجام می دهند. توجیهات پزشکی اگر چه عمدتاً از سوی افراد صاحب صلاحیت علمی و از مجاری مشخصی همچون مقالات علمی و پژوهشی در جامعه منتشر می شوند اما این گزارشها عمدتاً دست مایه تبلیغاتی می شود که سعی در پنهان سازی اهداف تجاری مراکزی چون کلینیک های تخصصی ختنه دارند. این امر نمایانگر رابطه پزشکی با مافیای اقتصادی تبلیغات و گفتمان های مسلط بر صنایع فرهنگی / مذهبی است و موید آن است که گفتمان پزشکی از ساختارهای ایدئولوژیکی قدرت متأثر بوده و در همدستی و تعامل با آن کارکردهای خود را تنظیم کرده و برای مشروعیت بخشی از حوزه سلامت وارد شده و اعتماد اذهان اجتماعی را جهت پذیرش این عمل به مثابه یک عمل طبیعی و ضروری و نه برساخته ی اجتماعی، ترغیب می کند.

کلید واژگان: ختنه پسران، حق بر بدن، حقوق کودک، آسیب شناسی فرهنگی، جامعه ایران.

1- مقدمه

عمل ختنه آئینی با قدمت کهن است که علیرغم نقض وجوه مختلف حقوق انسانی، امروزه همچنان رواج دارد از این روی موضوع درخوری برای مطالعات جامعه شناسی و انسان شناسی و حقوق است. در کارهای مطالعاتی و پژوهش های خود همواره کوشیده ام درک درست تری از آداب، اهمیت رسوم و فرهنگ را ارائه داده و درعین حال صدای بی واسطه گروه هدف، موافقان و مخالفان پدیده های اجتماعی و سنت های آسیب زا باشم و راهکارهای منطبق بر وضعیت حال و قابل اجرا با تاکید بر بسترسازی فرهنگی را هم ارائه دهم؛ بنابراین، این تحقیق بر آن نیست که عمل ختنه را رد یا تایید کند، بلکه در صدد است که در کنار بررسی برخی جوانب موضوعی که تابو بوده و مورد توجه قرار نگرفته راهکارهای اجرایی ارائه دهد که در وفاق با حقوق کودکان و حق آدمی بر بدنش باشد تا گامی موثر در بهبود وضعیت این گروه اجتماعی باشد. طرح این مساله شاید بتواند سرآغازی برای انجام کارهای تحقیقی جدید و عینی در این عرصه باشد و باعث شود افراد دیگری در حوزه های تخصصی خود از جمله پزشکی، حقوق، روانشناسی، جامعه شناسی، دین و... موضوع را مورد سوال، کنکاش و تحقیق قرار داده و در چارچوب علمی و تخصصی خود به مذاقه بیشتری بگذارند.

2- طرح مساله

ختنه یکی از مهمترین و شایع ترین اتفاقات دوره کودکی پسران در بخش مهمی از جوامع دنیای امروز است. با وجود این دانش علمی درخور و متناسبی در ارتباط با این پدیده و ابعاد مسئله آمیز آن وجود ندارد. پیامدهای پنهان ختنه مساله ای است که با وجود اهمیت بسیار، کمتر مورد توجه قرار گرفته و یا اصلاً به آن پرداخته نمی شود. گستردگی این موضوع و پذیرش بی چون و چرای آن در برخی جوامع اسلامی و یهودی و گاه مسیحی این ابهام را ایجاد می کند که چرا این پدیده تاکنون استمرار یافته و چرایی آن مورد سوال قرار نمی گیرد؟

پدیده ختنه به عنوان عملی که بر روی بدن انسان اعمال می شود در حوزه بررسی های حقوق فردی و مالکیت "حق بر بدن" قرار می گیرد که تاکنون چندان مورد استقبال هسته های پژوهشی قرار نگرفته است. این کم اقبالی شاید بیشتر از هر چیز متأثر از ماهیت مذهبی ختنه در ایران و تبدیل شدن آن به موضوعی هویتی برای مردان این سرزمین بوده است. در چنین شرایطی ختنه، از منظر اجتماعی، نه امری نابهنجار و پروبلماتیک که امری طبیعی و بهنجار تلقی می شود و پر بیراه نیست که شرایط تبدیل شدن به مسئله ای اجتماعی را نیز نیافته و چندان توجه جامعه شناسان و انسان شناسان و حقوق دانان را به خود جلب نکرده است. علاوه بر این باید توجه داشت که با روی کار آمدن حکومت دینی در ایران، پروبلماتیک کردن این موضوع می تواند جامعه شناسان را در موقعیت منتقد اجتماعی حاکمیت اسلامی قرار داده و بالطبع باعث به وجود آمدن مشکلاتی برای آنان شود.

ختنه دارای پیامدها و تبعات زیستی، فرهنگی، اجتماعی، روانی، حقوقی و ... بر انسانهایی است که حال و آینده جوامع بشری در گرو زیست سالم، بهنجار و عادلانه آنهاست. کودکان حدود یک سوم جمعیت جوامعی نظیر ایران را به خود اختصاص داده اند و هر گونه کم توجهی به مشکلات آنها به معنای درگیر کردن کل جامعه در این مشکلات است. پژوهش هایی از این دست تلاشی هستند برای شناخت علمی تر مسئله و مقدمات لازمی فراهم می کنند برای هر گونه اقدام، برنامه ریزی و سیاستگذاری اجتماعی در این حوزه. علاوه بر این نهادهای مسئول همچون وزارت بهداشت و جامعه پزشکان، موظف هستند اطلاعات کامل و به روز دنیا را درباره ختنه منتشر کنند و از حالت تبلیغ و ترویج یکسویه این کار خارج شده و دیدگاه های مختلف جهانی و نقدهایی که بر این عمل وارد شده را در اختیار عموم مردم قرار دهند. در این مسیر تعیین پروتکل های موضوعی و دستورالعمل های جامع برای انجام هرگونه عملی بر کودکان از جمله ختنه با در نظر گرفتن همه جنبه های حقوقی، بهداشتی و پزشکی و سلامتی، اجباری است به گونه ای که درباره انجام هر عمل، حقوق کودک نیز مورد توجه قرار بگیرد. شوربختانه به نظر می رسد که انجام چنین وظایفی به کلی از دستور کار سازمانهای مذکور در کشور خارج شده و تنها با انجام پژوهش هایی از این دست می توان تا حدودی به پر کردن چنین خلاء هایی همت گماشت.

در مقایسه با ایران، تلاش های قابل ملاحظه ای در سطوح جهانی و منطقه ای در خصوص آگاهی بخشی به مردم طی دهه اخیر صورت گرفته است. شمار فراوانی از عاملان ختنه اکنون به شدت به مخالفت با آن برخاسته اند در نتیجه در بسیاری از کشورها سنت ختنه رو به کاهش نهاده است. یک عامل اثرگذار در این روند باز بودن این جوامع در بحث ختنه و آزادی شان در گستره رسانه ای، چاپ مطالب و رسانه های الکترونیکی بوده که به کاهش این امر در تمامی نواحی تحت پوشش انجامیده است. با این حال، تغییر اصلی در درون این جوامع با مداخلات دولتی و حمایت سازمان های غیر دولتی در همکاری با این آژانس ها صورت گرفته است.

این مقاله دو هدف اصلی را دنبال می کند : هدف نخست بیان ابعاد فرهنگی و مذهبی مسئله ختنه پسران در جوامعی نظیر ایران است. این پدیده را اگرچه می توان پدیده ای دینی تعریف کرد که اغلب ریشه در باورهای دو دین سامی یعنی یهودیت و اسلام دارد اما پاره ای توجیهات بهداشتی باعث شده تا دامنه شمول آن مرزهای دینی را پشت سر گذاشته و برخی جوامع دیگر را نیز در بر گیرد. برخی آمارها نشان می دهند که در حدود 90 کشور دنیا عمل ختنه روی حداقل 30 درصد پسران انجام می شود (موریس و همکاران، 2016) که بسیاری از آنها مسلمان یا یهودی هم به شمار نمی روند. این آمارها اگرچه نشان دهنده اهمیت این عمل در جوامع مختلف هست ولی به هیچ عنوان به معنای درستی یا مفید بودن آن نمی باشد. ختنه پسران علی رغم شیوع گسترده دارای مخالفان بسیاری نیز است که از آن میان می توان به رویکرد فعالان حقوق کودک مبنی بر نادیده گرفتن حقوق کودکان و حق آدمی بر بدن خود، اثرات سوء روانی و پاره ای تبعات پزشکی این عمل اشاره کرد. هدف دوم شناخت

علمی و عینی مسئله ختنه پسران و کمک به تدوین برنامه ها و سیاست های موثر برای رفع تبعات و پیامدهای منفی آن در جامعه ایران است. برای این منظور با نگاهی به حقوق کودک و حق بر بدن؛ به بررسی دلایل فرهنگی استمرار ختنه و ارزیابی تجربیات مشارکت کنندگان در این زمینه که با روش کیفی و بهره گیری از مطالعه میدانی بر اساس مصاحبه هدفمند در میان تعدادی از ایرانیان ختنه شده ساکن داخل و خارج از کشور و نیز مصاحبه با برخی متخصصین و صاحب نظران علمی انجام شده؛ پرداخته می شود.

3- پرسش های پژوهش

در این پژوهش رسیدن به اهداف در قالب تلاش برای پاسخ به چند سوال دنبال شده است که عبارتند از:

1. ریشه های فرهنگی ختنه مردان در ایران چیست؟
2. حقوق کودک و حق بر بدن در انجام عمل ختنه پسران چه جایگاهی دارد؟
3. تجربیات مشارکت کنندگان در این پژوهش شامل چه ابعاد و ویژگی هایی است؟
4. برای کاهش آسیبهای بدنی و روانی و ابعاد مسئله آمیز ختنه چه پیشنهادهایی می توان ارائه داد؟

4- ریشه های فرهنگی ختنه پسران در ایران

حدود پانزده هزار سال از قدمت ختنه می گذرد. این عمل یکی از قدیمی ترین اعمال جراحی است که روی کودکان انجام می شده است. کاوشگران این عمل را در اجساد مومیائی شده متعلق به مصریان باستان به اثبات رسانده اند. در کتب مذهبی پیروان ادیان اسلام و یهود اشارات و توصیه هایی به این امر شده است. همچنین این

عمل از سالیان دور در میان عده ای از سیاهان آفریقا و اقوام استرالیائی و بعضی اقوام دیگر (بدون وابستگی مذهبی) رایج بوده است و تاکنون نیز در بخش‌های مختلفی از جهان استمرار یافته است. یکی از فرضیه‌های مطرح شده درباره چگونگی گسترش عمل ختنه و اشاعه آن در دیگر نقاط جغرافیایی را می‌توان از خلال نبردها و کشورگشایی تمدن‌های کهن و تلاش برای اشاعه فرهنگ غالب و در برخی دیگر تأثیراتی که جامعه مغلوب بر پیروزمندان جنگ می‌گذاشته است؛ جستجو کرد. مصر نیز به‌عنوان محل تلاقی سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا همواره مورد نزاع کشورگشایان بزرگ بوده است. نقل است در سال 525 قبل از میلاد، کمبوجیه پسر کوروش، با لشکرکشی به «مفیس» پایتخت مصر، این کشور را به قلمرو هخامنشی ضمیمه کرد، سپس بر آن شد تا بین مصر و ایران اتحاد برقرار کند از همین رو طبق سنن و مراسم این کشور تاج‌گذاری کرد. پس از کمبوجیه جانشین او داریوش اول و سپس خشایارشا برنامه گسترش دولت هخامنشی را ادامه دادند و داریوش به تأسی از کوروش، مصریان را در زندگی خصوصی و مذهبی آزاد گذارد. تسلط ایرانیان بر مصر به مدت 203 سال ادامه داشت و مدارک و کاوش‌های باستان‌شناسی، حکایت از هم‌نشینی مسالمت‌آمیز و مراودات انسانی دو تمدن ایران و مصر در عصر هخامنشی دارد که اگر جز این بود حکومت آنان تا این اندازه دوام نمی‌یافت. دو کشور ایران و مصر طی ارتباط قریب به دو قرن خود نه‌تنها مشترکات فرهنگی گسترده‌ای یافته و زبان مشترکی بین تمدن‌های ایران و مصر ایجاد شد بلکه علم طب را که در مصر باستان بسیار پیشرفت کرده بود، از مصریان فراگرفتند (نصیری، 1385). به حکم ظاهر و روایات تاریخ، قدیمی‌ترین سند پزشکی، مربوط به کتیبه‌ای است که بر روی خشت و به خط میخی، حک شده و از دره‌های بین‌النهرین به دست آمده است و به نظر باستان‌شناسان قدمت آن به سه هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد (اصلانی، 1397).

در متون، اسناد و آثار باستانی ایران نشانه‌ای مبنی بر اینکه زنان و مردان ختنه شده باشند وجود ندارد. در اوستا و دیگر متون پهلوی ایران دوران باستان نیز اشاره‌ای به ختنه یا هرگونه عمل دیگری همچون ناقص‌سازی یا بریدن آلت جنسی نشده است. بنابراین از شواهد موجود چنین پیداست که پیش از ظهور اسلام، ختنه در ایران انجام نمی‌شده است و سنت ختنه زنان و ختنه مردان با ورود اسلام به ایران رواج پیدا کرد. حتی در برخی منابع تاریخی چنین آمده که در اوایل ورود دین اسلام به ایران برخی ایرانی‌ها که اسلام آورده بودند، ختنه نمی‌کردند. برای نمونه افشین، سردار ایرانی در دربار مأمون و المعتصم ختنه نشده بود. أحمد بن ابی دؤاد نقل کرده که افشین به‌خاطر نگرانی از اثرات منفی ختنه بر سلامتی‌اش، خود را ختنه نمی‌کرد (توحیدی، 1964). هم‌اکنون درصد قابل توجهی از مردان ختنه شده در جهان، علاوه بر پیروان دیگر ادیانی همچون یهودیت، مسلمانان هستند به طوری که آمار نشان داده در کشورهایی مثل ایران که دین رسمی، اسلام است بیش از 99 درصد مردان ختنه شده‌اند. با وجود ابهاماتی پیرامون ختنه در دین اسلام به سبب عدم وجود دستور مستقیم قرآن، مسلمانان همچنان با جدیت به انجام عمل ختنه مبادرت می‌ورزند و سهم ختنه در میان آن‌ها در صدر قرار دارد، چنانچه برطبق برآوردها نزدیک به 69 درصد مردان ختنه شده در جهان، مسلمان هستند (موریس و همکاران، 2016).

علاوه بر باورهای دینی اسلامی که به عنوان عامل اصلی، نقشی اساسی در رواج عمل ختنه در ایران دارد، نباید ویژگی‌های جغرافیایی و منطقه و روابط بین‌المللی را در این موضوع نادیده گرفت. ایران در منطقه خاورمیانه قرار دارد و در تمام طول تاریخ همواره با مصر که منزلگاه اصلی ختنه بوده، روابط دیرینه داشته است. بنابراین این سه عامل یعنی منطقه جغرافیایی، ارتباط با مصر و دین اسلام باعث شده عمل ختنه در ادوار مختلف تاریخ ایران رواج داشته باشد به طوری که به گواه آخرین تخمین‌های موجود (موریس و همکاران، 2016) 99.7 درصد مردان ایرانی ختنه شده‌اند. علاوه بر این بحث ختنه در ایران در کلیت خود در کنار ختنه دختران و زنان مطرح بوده و درک آن بدون توجه به مسئله ختنه زنان بسیار دشوار خواهد بود.

با کنکاشی در کتب تاریخی می‌توان به اهمیت ختنه مردان در فرهنگ ایرانیان پی برد، جایی که مختونگی به عنوان عاملی مهم در بدل گشتن به یک مرد مسلمان کامل مطرح می‌شود. از همین جهت اهمیت ختنه مرد مسلمان و به روایتی مرد مسلمان ایرانی در ازدواج‌های ایرانیان انکارناپذیر است. با نگاهی به استفتائات انجام شده در خواهیم یافت که گرچه ازدواج زن مسلمان با مرد مسلمان ختنه نشده تنها مورد وثوق همگان بوده و از سوی همه مذاهب اسلامی، مورد تأیید است اما زنان و خانواده‌های مسلمان ایرانی بر مختون بودن همسر خود تأکید به سزایی داشته و دارند.

در کتاب «گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی ایران: پشت پرده‌های حرم‌سرا» درباره ختنه یکی از نوجوانان درباری آمده است:

«امروز ختنه‌سوران عزیزالسلطان (ملیچک دوم) است و تفصیل از این قرار است. این پسر 17 الی 18 سال دارد. از شدت مرحمتی که شاه نسبت به او داشتند تا به حال ختنه نشده و هر وقت هم پدر و مادرش عجز می‌کردند که پسر ما باید آخر مسلمان باشد و ختنه نکرده از ملت حنیف محسوب نیست، می‌فرمودند امپراتور روس که ختنه نکرده مگر پادشاه مملکت روس نیست؟! تا در این اواخر عزیزالسلطان عریضه‌ای به شاه نوشته بودند که اگر من داماد شما هستم پس چرا دختر خودتان اخترالدوله را به من نمی‌دهید؟ قرار شد که در ماه ربیع‌الاول عروسی بکنند. صغرا خانم مادر دختر پیغام داده بود اگر می‌خواهی داماد من بشوی اول باید ختنه بکنی. حب جاه و میل به دختر واداشت عزیزالسلطان را که تمکین به ختنه کند.» (آزاد، 1377).

التزام به انجام دستورات دینی و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی نخستین و مهم‌ترین انگیزه و دلیل استمرار عمل ختنه در ایران بوده است. با توجه به ورود دین اسلام به ایران و سرعت گسترش آن درهم تنیدگی جامعه ایرانی با اصول و باورهای اسلامی بطور چشمگیری سرعت گرفت. از همین روی آشنایی با این پدیده و بایدها و نبایدهای آن در دین اسلام درک برخی از رخداد‌های تاریخی را تسهیل می‌کند.

از بررسی احادیث و روایات موجود و نیز استفتائاتی که از مراجع شده چنین برمی‌آید که پیروان شیعه و سنی دین اسلام با استناد به دو آیه 123 سوره نحل و آیه 161 سوره انعام، پیروی از سنت‌های ابراهیم را که ختنه نیز یکی

از آن‌هاست، واجب می‌دانند اما چنین به نظر می‌رسد که دستورات دینی اسلام درباره ختنه به نقل از احادیث و احکام فقهی شکل گرفته‌اند که آن‌ها نیز ریشه در سبک زندگی و سنت‌های رایج یهودیان مدینه در زمان پیامبر اسلام دارد. برای فهم بیشتر این موضوع باید موقعیت مکانی و زمانی پیامبر را در صدر اسلام واکاوی کرد. قوانین اسلامی در آن زمان متشکل از دو نوع «تاسیسی- انشایی» و «امضایی- تاییدی» بودند. قوانین تاسیسی، قوانینی هستند که پیامبر اسلام بر اساس آیات احکامی قرآن آن‌ها را تاسیس کرده و لازم‌الاجرا هستند. اما در مقابل آن قوانین امضایی قرار دارند که پیش از پیامبر نیز وجود داشته‌اند و او پس از انجام اصلاحات، تغییرات و تحولاتی، آن‌ها را تأیید کرده است. تقریباً تمام احکام شرعی اسلام حتی نماز و روزه و حج و بسیاری از قوانین کیفری مربوط به زنان در سنت پیش از اسلام و اعراب حجاز وجود داشته است. اسلام در این موارد تغییرات و تحولاتی ایجاد کرد، بعضی‌ها را رد کرد و بعضی دیگر را کامل و یا با اصلاحیه‌ها و تبصره‌هایی تأیید کرد (یوسفی اشکوری، 1397) و ختنه نیز در ردیف قوانین امضایی اسلام است.

از آنجا که سنت ختنه دارای کارکرد های مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، تاریخی و پزشکی و بهداشتی در فرایند تاریخ ایران است از منظر درهم تنیدگی ساختاری و نهادی نیز حائز اهمیت است. در توضیح کارکردهای اجتماعی ختنه پذیرش دینی و قومی، هویت بخشی جنسیتی به مردان و پدرسالاری و منافع مردان مطرح است و در کارکردهای اقتصادی، ختنه گری به مثابه یک شغل و تخصص با دلایل تجاری استمرار می‌یابد.

یکی از مباحثی که می‌تواند به بررسی نقش ختنه در زندگی ایرانیان یاری رساند، «اقتصاد هویت» است. به باور برخی از اقتصاددانان، اقتصاد علم انتخاب است و یکی از موضوعاتی که بر انتخاب‌ها یا رجحان‌های ما تأثیرگذار است، باورهای است که در ما درونی شده‌اند. رجحان‌ها از هنجارها به دست می‌آیند که ما آن‌ها را به‌عنوان قواعد اجتماعی در باب اینکه افراد چگونه باید در موقعیت‌های مختلف رفتار کنند؛ تعریف می‌کنیم. (اکرلاف، 1395). تاکید بر ضرورت انجام مناسک و پیروی از الگوهای مذهبی از قدرت زیادی برخوردار است تا آنجا که برخی افراد را به این باور می‌رساند که هیچ راه دیگری جز رفتن به راه گذشتگان ندارند حتی اگر مجبور باشند درد و رنج ناشی از آن را به جان بخرند. نبود اطلاعات کافی و جامع در این زمینه و یکسویه بودن آنها درباره عمل ختنه، استیلای فرهنگ، سنت و دین از جمله دلایل مهم استمرار عمل ختنه در جوامعی مثل ایران است. اما در کنار همه این موارد نباید نقش فشارهای اجتماعی بر تداوم این عمل نادیده را گرفت؛ در جامعه‌ای که ختنه نشدن به مثابه خروج از دین محسوب شده و ننگ تلقی می‌شود و پسرپچه‌های ختنه نشده مورد تمسخر قرار می‌گیرند، والدین حتی اگر به چرایی این موضوع اندیشیده باشند، باز هم ممکن است برای گریز از این فشار اجتماعی اقدام به عمل ختنه فرزند خود کنند². قدر مسلم این است که سود سرشار حاصل از تجارت ختنه در صنعت پزشکی سبب اغماض از برخی صدمات و عوارض احتمالی عمل ختنه از سوی برخی پزشکان شده است. به‌خصوص اینکه در قوانین و مقررات دولتی ایران در راستای تأیید این عمل جایی باز شده و مجوزهای لازم نیز صادر می‌شود و

² درباره دلایل رضایت‌مندی و تأیید ختنه از سوی جامعه پزشکی در بخش دوم کتاب "ختنه مردان" مطالبی به تفصیل آورده شده است.

مهر تائید سازمان‌های دولتی بر این عمل از کلینیک‌های مجهز برای عمل ختنه گرفته تا تجهیزاتی که روز به‌روز پیشرفته‌تر می‌شود را می‌توان دید.

آنچه در این میانه مایه تاسف است تعرض به حقوق کودکان و حق آن‌ها بر بدن و سلامتی‌شان است. دست بردن به خصوصی‌ترین عضو بدن کودک آن هم در دوران نوزادی و بی‌قدرتی آن‌ها که نه‌تنها قادر به تصمیم‌گیری نیستند بلکه هیچ درکی نیز از این عمل ندارند سبب برانگیختن انتقادات بسیاری شده است. نباید از یاد برد که مفهوم کودکی در جوامع مختلف تعاریف متفاوتی دارد، تعاریفی که با وجود تفاوت‌ها از یک وجه اشتراک نیز برخوردار است و آن فقدان بلوغ در ابعاد مختلف و عدم آشنایی کودک با حقوقش است. حس تملک نسبت به کودکان و اینکه کودک به هر روی متعلق به والدین خویش است از دلایل اصلی بی‌توجهی و کم‌توجهی به حقوق کودکان پنداشته می‌شود. این بی‌توجهی یا کم‌توجهی می‌تواند طیف وسیعی از رخدادهای تحمیلی بر کودکان را شامل شود که در حادترین موارد مانند خشونت علیه کودکان و گاه ختنه دختران منع قانونی داشته و جرم انگاری شده‌اند. نباید از این امر غافل شد که آسیب‌های جسمی و روحی که ممکن است به‌واسطه بی‌توجهی یا کم‌توجهی والدین یا جامعه بر کودک تحمیل شود تنها گریبانگیر کودک نبوده و در بلندمدت می‌تواند گروه‌ها و نهادهایی مانند دوستان، خانواده، مدرسه و ... که فرد به عضویت آن‌ها درخواهد آمد را نیز متاثر ساخته و چه‌بسا پیامدهای منفی را نیز در پی داشته باشد.

ریشه‌های عمیق انجام عمل ختنه در تاریخ و مذهب با وجود آنکه در قرآن نیز آمده که ما انسان را بدون نقص آفریدیم، استیلای فرهنگ و سنت، تجارت ختنه در صنعت و مافیای پزشکی، مراسم ختنه‌سوران و عوایدی که از برگزاری این جشن حاصل می‌شود، تاکیدات مذهبی و خلأهای قانونی از جمله مواردی است که سد راه هرگونه تغییر و اصلاح در این زمینه می‌شود.

5- زمینه‌های فرهنگی تداوم عمل ختنه بر حسب داده‌های میدان پژوهش

بررسی دلایل تداوم عمل ختنه در نقاط مختلف جهان، حکایت از آن دارد که در میان برخی اقوام سنت‌های بومی، در برخی نقاط جغرافیایی دستورات دینی و در برخی کشورها توصیه‌های پزشکی و در بسیاری موارد ترکیبی از هر سه مولفه به‌عنوان زمینه‌های تاثیر گذار در استمرار و گسترش این عمل تا به امروز به شمار می‌رود. این موارد نمایانگر تسلط گفتمان پزشکی، سنتی و دینی بر پدیده ختنه و ابژه کردن آن از طریق هر یک از این گفتمان‌هاست. مشروعیت بخشی عمل ختنه و ارتباط آن با ساختارها و سازوکارهای قدرت از طریق این گفتمان‌ها محل تامل است.

5-1- زمینه های قومی؛ سنت ها و هنجارهای اجتماعی

درباره رواج ختنه در جوامعی که سنت ها و هنجارها اهمیت بسیار دارند دکتر مهدی فیضی³، اقتصاددان و مترجم کتاب «اقتصاد هویت» می گوید :

گاهی شما با جامعه ای مواجهه هستید که مثلا همچون جوامع شرقی در معنای کلی و کشورهای خاورمیانه در معنای خاص به دلایل خیلی گسترده تاریخی دچار تنوع و دسته بندی های اجتماعی هستند مثلا قومیت ها؛ شما این حجم چگالی قومیتی را که مثلا در افغانستان و ایران و یا مثلا در میان بعضی قبایل آفریقایی می بینید، در خیلی از کشورهای دیگر نمی بینید. بنابراین باید بپذیریم در بعضی جوامع این تنوع و واریانس، بیشتر هست. هر دسته یک هویتی دارد و انگار این چهل تکه گی هویتی، این پراکندگی هویتی و یا تنازع های هویتی وقتی جدی می شود که هرکسی هم تلاش می کند هویت خودش را بلدتر کند.

آمار مردان ختنه شده در کشورهای مختلف جهان نشان می دهد سنت ها در برخی جوامع چند هویتی اهمیت بسیار دارند و در برخی دیگر این گونه نیست که مردم در آداب و رسوم گذشته غرق شده باشند به عنوان مثال می توان به کشور کانادا اشاره کرد که با وجود گستردگی هویتی، تنها 31.9 درصد از مردان این کشور مختون شده اند. تحلیل دکتر مهدی فیضی در این خصوص بر تفاوت های موجود میان جوامع شرقی و جوامع غربی تاکید می کند و می گوید :

آنچه در شرق وجود دارد، تاریخی، زمانمند و تکاملی است و آنچه در غرب وجود دارد نوظهور است و این دو را نمی توان با هم مقایسه کرد. زمین تا آسمان با هم فرق می کنند. در غرب یک جور پوخته ای از multi-culturality هست ولی فقط یک پوخته است و وقتی در بطن آن بروید، خواهید دید که اتفاقا خیلی هم همگون است ولی در شرق اصلا این شکلی نیست شما مثلا توی جامعه کانادا اصلا هویت جنسیتی را جدی نمی گیرید درحالی که در شرق خیلی جدی می گیرید یا هویت قومیتی را اصلا جدی نمی بینید اما این موضوع در شرق بسیار جدی است. ممکن است چنین ادعایی بکنند ولی شما در نهایت اگر خواستید در آن جامعه موفق باشید اصطلاحا باید integrate بشوید. Integrate شدن یعنی شما باید در آن جامعه و فرهنگ غالب آن حل بشوید بنابراین باید همه تفاوت های آن را کنار بگذارید. اتفاقا آنجا دقیقا نکته همین است که شرط بقا در غرب، فراموشی فاکتورهای هویتی است و دقیقا شرق عکس آن صادق است و باید فاکتورهای هویتی را خیلی جدی و پر رنگ کنید.

وی همچنین به فشارهایی اشاره می کند که در صورت عدم رعایت آنها در قالب هایی چون شرم بر افراد وارد می شوند. این شرم از طریق تمایز اجتماعی و دسته بندی های دوتایی جامعه ایجاد می شود و در واقع یک احساس برساخته ی اجتماعی است. در مورد عمل ختنه این تمایز اجتماعی از طریق تقسیم بندی دوتایی ختنه شده ها و ختنه نشده ها اعمال می شود. ختنه نشده ها مورد طرد قرار گرفته و با هنجارهای همان جامعه به حاشیه رانده می شوند. در اینجا نظریه طرد اجتماعی و برساخت اجتماعی دو نظریه تبیین کننده می باشند. او می گوید:

عضو هیات علمی اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد³.

«اگر کسی بخواهد هر آیین اجتماعی یا هر آیین سنتی یا قوانین مذهبی مربوط به دسته‌ای که آن را به دیگران منتسب می‌دانند انجام ندهد دچار یک فشار اجتماعی می‌شود. از این زاویه که هنجار اجتماعی رو پاس نداشته، اصطلاحاً می‌گویند شرم اجتماعی بر او مستولی می‌شود. این به آن شکل خودش را نشان می‌دهد. در صورتی که روانشناختیش بعد می‌آید به سمتی که اون Psychological cost (هزینه روانی) رو کاهش بدهد به تعبیری، از میزان مصرفش کم کند برای کاهش آن هزینه، با جمع هم‌نوا می‌شود مستقل از اینکه اون کار خوب هست یا بد هست.»

او در ادامه و در باب اینکه کدام گروه از جوامع محتمل است تن به این آیین‌ها و سنن بدهند، می‌افزاید:

«معمولاً در مورد اقلیت‌ها به‌طور کلی بیشتر اتفاق می‌افتد به این دلیل که کسی که جزو اقلیت هست دچار این ترس می‌شود که طرد بشود. بنابراین خیلی بیشتر باید تن بدهد به این آیین‌ها و اگر تن به این آیین ندهد در حقیقت خیلی کمتر پذیرفته می‌شود. حالا این اقلیت می‌تواند قومیتی، رنگ پوست، جنسیتی یا هر چیزی باشد.»

ختنه اغلب چنان در تار و پود اعتقادات و باورهای افراد در جامعه سنتی تنیده شده که اغلب اعضای جامعه آن را به مثابه امری طبیعی درک می‌کنند. در باور آنها ختنه لازمه امری مثل مرد شدن است و کسی نمی‌تواند بدون ختنه شدن مرد باشد. در اینجا ختنه نماد مرد شدن و مردانگی قلمداد می‌شود و عمل ختنه که یک امر اجتماعی و برساخته جامعه است، امری طبیعی فهم می‌شود. به نظر می‌رسد در این زمینه نظریات زیرمجموعه جامعه شناسی جنسیت تبیین کننده باشد. یکی از مردان مشارکت کننده در این پژوهش، دارای 65 سال و دیپلم و ساکن کانادا، در این باره چنین اظهار می‌کند:

«در کم این بود که همه باید انجام بدن یعنی یک عملی بود که همه باید انجام بدن یک مقدار به خاطر اینکه ما راحت تر به این قضیه برخورد بکنیم یعنی قبل ترش هم می‌شنیدیم که مثلاً تو ختنه شدی یا نشدی مثلاً اگر جز ختنه نشده ها بودی یعنی اینکه به اصطلاح، یعنی در حقیقت مرد نشدی یا اینکه یک تشخص بود یک چیزی هست حاکی از بزرگ شدن آدم بود یعنی یک ارزشی رو تداعی می‌کرد توی ذهن. علی‌رغم اینکه می‌دونستیم خب یک بریدگی هست و یک دردی داره بعد بالاخره اون شکلی که با اون پوست اضافه به اصطلاح قابل قبول نبود یعنی چون نوزادها به همین حالتی بود مام که تو اون سن ها بودیم وقتی که مثلاً اگه دیده میشد یا چیز میکردن ما جز به قول معروف بزرگترها نشده بودیم یعنی بدمون نمیومد وارد این جرگه بشیم ولی خب یک سابقه داشتیم، میدونستیم که یک چیزیه که باید انجام بگیره»

هم‌رنگی با جماعت و اجتناب از رسوا شدن از مهم ترین کارکردها و دلایلی است که انسانهای مذکر در جوامعی همچون ایران در جستجوی آن با انجام عمل ختنه هستند. مسئله بی‌آبرویی که از متن سنت ها و هنجارهای غالب بر جامعه می‌آید، در جوامعی چون ایران که ویژگی های جامعه توده وار را در خود دارد، همواره مسئله مهمی بوده است که عرصه را برای بروز و ظهور تفاوت های اجتماعی و کنش های مبتنی بر تمایزات اجتماعی تنگ و محدود کرده است. به نظر می‌رسد در اینجا نظریه تایید اجتماعی، نظریه جامعه توده و نظریه هم‌نوايي اجتماعی تبیین کننده باشد.

اظهارات یک مرد ایرانی 65 ساله و ساکن تورنتو در این زمینه گویاست:

«یعنی یک برداشت من این نبود یعنی کماکان هم همین‌ها. یعنی یک عمل مضر تشخیص نمی‌دادیم بعد حتی از نظر بهداشتی اون عضو بهتر بود و به اصطلاح یک چیز دیگه بود که به اصطلاح در بافت جامعه ما اصلاً نامتعارف بود اگر این عمل انجام نمی‌گرفت چون بالاخره بعدها به اصطلاح مورد پرسش قرار می‌گرفت یعنی به خاطری که به اصطلاح معمول باشه و چجوری بگم حالا شاید کلمه انگشت‌نما خیلی خوب بیان نکنه ولی چیز بود یعنی به چیز معمولی، بی‌ضرری می‌دیدم که باید انجام بگیره.»

مجموع این نشانه‌ها از قدرت بی‌بدیل سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی حکایت دارند که به موجب آن افراد بسیاری، بی‌آنکه دلیل روشن و مشخصی برای کارهای خود بیابند، تن به هنجارهای اجتماعی می‌دهند و راه رفته گذشتگان را دنبال می‌کنند. برای درک بهتر این موضوع می‌توان پاسخ‌هایی را که به پرسشنامه عمومی این پژوهش داده شده مورد بررسی قرار داد؛ اغلب کسانی که به این پرسشنامه پاسخ داده‌اند در توضیح دلایل ختنه شدن خود یا فرزندانشان هنجارهای اجتماعی و عرف و سنت را مورد اشاره قرار داده‌اند: زنی 35 ساله اهل جوانرود از استان کرمانشاه می‌گوید:

«من دو تا فرزند پسر دارم و هر دو را قبل از دو ماهگی ختنه کردم، معمولاً اطرافیان ما در همین سن بچه‌های خود را ختنه می‌کنند. درباره اینکه چرا ختنه کردم؛ راستش اینطور نبوده که بنشینم فکر کنم و بعد برم کاری رو انجام بدم انقدر این موضوع در شرع و عرف جامعه ما پذیرفته شده و عادی هستش که کسی به چرایی آن فکر نمی‌کنه مثل اینکه از کسی سوال کنید چرا با قاشق غذا می‌خوری؟ به خاطر پشتیبانی که شرع و عرف از ختنه تا حالا کرده و به دلیل نکات مثبتی که میگن از نظر بهداشتی داره این مساله در جامعه ما کاملاً عادی و پذیرفته شده است.»

قدرت سنت‌ها، فرهنگ و آداب و رسوم در سبک زندگی افراد و تصمیماتی که می‌گیرند آنقدر زیاد است که در مواردی مثل ختنه مردان، برخی از مردم بی‌آنکه به چرایی مساله‌ای بیندیشند، به روال گذشتگان اقدام می‌کنند. برای این افراد سرپیچی از منویات جامعه و سنت نوعی انحراف از معیارهایی است که تعیین کننده وضعیت طبیعی در جامعه اند و به نظر می‌رسد که «ختنه شدگی» نیز یکی از مصادیق وضعیت طبیعی در باور جوامعی همچون جامعه ایران باشد، چنانچه مردی 43 ساله ساکن تهران در پاسخ به پرسشنامه این پژوهش درباره دلیل اینکه فرزندش را ختنه کرده می‌گوید:

«من دلیلی نداشتم ولی بیشتر به خاطر اینکه توی این جامعه همه باید بالاخره به روزی این کار رو بکنن.»

در واقع سنت‌ها علاوه بر اینکه افراد را ملزم به رعایت قوانین می‌کنند راه را برای طرح هرگونه سوالی نیز بر روی آن‌ها می‌بندند. سنت‌ها از طریق طبیعی جلوه دادن پدیده‌هایی که اموری اجتماعی اند و برساخته جامعه و شرایط آن هستند و در اینجا ختنه از همان پدیده هاست، راه را برای پرسشگری و نقادی ذهن کنشگران می‌بندند و ضرورتی برای آزادی و اختیار و نقد اجتماعی در باب این پدیده‌ها نمی‌گذارند. برای درک بهتر این موضوع پاسخ مردی 65 ساله از تربت‌جام درباره دلیل ختنه فرزندش قابل تامل است:

«این کار امری معمولی بود که باید طبق روال انجام می‌شد»

اما آیا پیروی از گذشتگان و نیاکان ضرورتی غیرقابل اجتناب است یا الزامی درباره آن وجود ندارد؟ بنظر می رسد با تاکید بر بلوغ و خودبستگی جهان امروز هر فردی باید با منطق و عقلانیت راه خود را انتخاب کند. شهرام اقبال زاده، مترجم، منتقد و نویسنده ادبیات کودک در این زمینه تصریح می کند:

« در یک روند کلی چنین تحولاتی مشابهت های زیادی دارند، در عین اینکه غرب خیلی زودتر به این مرحله رسیده مثلا به خاطر روابط گسترده ای که سرمایه داری دلیل آن بوده، سرمایه داری به پدیده جهانی بدل می شود، یعنی از سطح ملی به اجبار گذر می کند به خاطر اینکه باید تولید مازاد و کالاهایش را صادر کند، باید مواد اولیه اش را تامین کند، به همین دلیل روابط خیلی گسترده می شوند. این گستردگی فقط در سطح اقتصاد نیست، بلکه در سطح فرهنگ و سیاست هم رخ می دهد. در مراحل اولیه که هنوز تمرکز سرمایه و قدرت انحصاری بین جناح های سیاسی شکل نگرفته، ضرورت گردش آزاد سرمایه، موجب آزادی سیاسی و فرهنگی و تقدس زدایی از برخی از آیین های مذهبی و حتی منع کلیسا از دخالت در مسائل فرهنگی و عقیدتی می شود و با آزادی اندیشه، خیلی از کلیشه های جنسیتی و شبه مقدس به چالش و پرسش کشیده می شوند. مراجع دینی و نهادهای مذهبی و سیاسی و رهبران قومی قبیله ای یا دینی مذهبی و آئینی که رمزگشایی و اختیار تفسیر محرمات و تابوهای جنسی را در اختیار دارند در نهایت طی روندی تاریخی، هم اختیار رمزگشایی و تفسیر این شبه مقدسات و محرمات را که به قدرت اجتماعی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بدل شده را بدست آورده اند و هم امتیازات خاصی را به خود اختصاص داده اند و جدا از فرد فردشان، به یک قشر یا یک کاست قدرتمند مبدل شده اند، یعنی در مجموع به صورت یک طبقه ی هژمونیک درآمدند، بخشی از طبقه ی حاکم که دو ستون دارد یکی قدرت سیاسی و دیگری قدرت مرجعیت مذهبی. این ها اجازه هیچ نوع تفسیر و رمزگشایی را نمی دهند چون نهایتا اگر اقتدارشان بشکند و آن اعتبار و اوتوریت معنوی شان از دست برود قدرت سیاسی و هژمونی شان هم زیر سوال رفته و این می تواند برایشان بحرانزا باشد.»

شیخوخیت و پیرسالاری نیز بخشی از منطق باورمندان به عمل ختنه است. در جامعه سنت زده، پیران و شیوخ از اقتدار و مرجعیت بالایی در بین اعضای جامعه برخوردارند. یکی از مشارکت کنندگان در این پژوهش زنی 30 ساله ساکن شاهین شهر استان اصفهان است. او در بخشی از سخنان خود در بیان چرایی تن دادن به ختنه پرسش عنوان می کند:

« طبق نظر بزرگترها پیش رفتیم.»

در همین راستا باید اذعان داشت که بازتعریف و منتسب کردن مفاهیمی چون مردانگی و شجاعت به پسرانی که ختنه می شوند و نحوه برخورد جامعه مورد بحث با افراد ختنه نشده، توانسته ذهنیت مثبتی را نسبت به ختنه مردان پدیدار سازد. این دوگانه سازی جامعه که منتسب به ختنه شده و ختنه نشده می شود و پیشتر به آن اشاره شد خود عاملی برای طرد اجتماعی افراد ختنه نشده و در نتیجه تن دادن به آن با هدف کسب تایید اجتماعی است. به بیان دیگر این قبیل رفتارها سبب شده است که در بلندمدت عمل ختنه در برخی از جوامع به سنت و ارزشی والا بدل گردد و پایبندی به سنن تحسین گردد از همین روی کودکان با علاقه و رغبت تن به این عمل دهند. مردی ایرانی، 65 ساله و ساکن شاندیز از استان خراسان رضوی در پاسخ به این سوال که چرا به انجام چنین عملی برای فرزندان خود مبادرت ورزیده، چنین می گوید:

«هیچی، هم مثل نماز خوندنمونه دیگه چون بابامون نماز می‌خونده ما هم نماز می‌خوندیم در اون سن.»

بدیهی است که محیط و جغرافیایی که افراد در آن زندگی می‌کنند در انتخاب و اختیار افراد برای اینکه دنباله‌رو چشم و گوش بسته سنت‌ها باشند یا با درایت پیش بروند موثر است و این مهم را می‌توان از میان نقل‌قول‌های برخی پاسخ‌دهندگان که در ایران فرزند خود را ختنه کرده‌اند ولی در حال حاضر در کشوری دیگر زندگی می‌کنند، ملاحظه کرد؛ برای مثال زنی 56 ساله ایرانی و ساکن تورنتو درباره اینکه چرا فرزندش را ختنه کرده می‌گوید:

«چون در ایران مرسوم بود و دلیل دیگری نداشت.»

همچنین مردی ایرانی 70 ساله ساکن کلن آلمان هم عنوان می‌کند که پیروی چشم‌بسته از سنت‌ها او را واداشته که برای ختنه پسر خود اقدام کند. به عبارت دیگر این افراد بعد از خروج از محیط و جامعه‌ای که پایبند سنت‌هاست، فرصت می‌یابند که با نگاه و بینش شفاف‌تری درباره علل و دلایل یک کار پیش از اقدام به انجام آن بیندیشند. در واقع چنین به نظر می‌رسد که بسیاری تن به این عمل درباره فرزندان خود می‌دهند برای اینکه در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند مورد پذیرش قرار بگیرند تا به اصطلاح هم‌رنگ جماعت شوند. این تجارب زیسته نمایانگر قدرت جامعه در برساخت ذهن کنشگران اجتماعی در جامعه‌ای بسته، سنتی و قبیله‌ای است، به گونه‌ای که تبعیت نکردن از هنجارهای جامعه ناهم‌نوایی قلمداد شده و به طرد اجتماعی منتهی می‌شود، لذا اجازه کنشگری فعال و خلاق از فرد سلب شده و افراد از ترس حذف و طرد شدن قادر به انجام رفتاری مغایر با هنجارهای موجود و متفاوت از اکثریت نیستند. در اینجا ترس از دیگری بودن و غیریت‌سازی و برجسب زنی اجتماعی منجر به هم‌نوایی و تبعیت از انجام سنت ختنه به مثابه هنجار مسلط بر جامعه عمل می‌کند. به نظر می‌رسد نظریه برجسب اجتماعی و نظریه طرد اجتماعی تحلیل‌کننده این وضعیت باشد. زنی 36 ساله دانشجوی ساکن انگلستان و اهل سمنان در استان کردستان با این که خود اعتقادی به ختنه ندارد و آن را نوعی ناقص‌سازی می‌داند ولی با اشاره به هنجارهای جامعه سنتی از دشواری‌های ماندن بر سر این باور سخن به میان می‌آورد. وی می‌گوید:

«به نظر من عمل ختنه یک جور ناقص‌سازی جنسی هست و من اگر صاحب فرزند پسری باشم به هیچ عنوان او را ختنه نمی‌کنم اما این را هم می‌دانم که اگر من در خانواده‌ای مذهبی و سنتی باشم که به دلیل سنت، دستور دین و مسایل بهداشتی ختنه را انجام می‌هند، قطعاً روبروی من و تصمیمی که گرفتم و یا حتی مقابل فرزند من جبهه خواهند گرفت و این کار را مشکل می‌کند اما قطعاً من سعی می‌کنم آن‌ها را متقاعد کنم که این کار ناقص‌سازی جنسی هستش.»

در تجربیات برخی از مشارکت‌کنندگان اشاره به برخی محدودیت‌هایی شده که انسان ختنه شده در زندگی روزمره خود با آن مواجه است. به نظر می‌رسد که موضوع پاک بودن و آنچه که در ادبیات دینی تحت عنوان «طهور» از آن یاد شده است ملازمه عمیقی با عمل ختنه در ذهنیت دینی داشته و در ترغیب آنها به انجام عمل ختنه بسیار موثر بوده است. مثلاً مرد 34 ساله، مسلمان، لیسانس، شیعه و ساکن اهواز در این باره می‌گوید:

«یادمه با بابام و عموم رفتیم و تیغ اسلام رو کشیدن رومون مسلمون پاکی شدم، قبل ختنه بهم میگفتن سر مرغ نمیتونی ببری چون ختنه نشدی پاک نیستی البته بعد ختنه هم سر مرغ نبریدم، یه سری جایزه دادن و خوشحال بودم، بعد ختنه هم دنبال مدفوع خر ماده بودن برام که دود بدن بهم با اون دامن قرمزی که پام کردن.»

5-2- زمینه های دینی و مذهبی

آنگونه که شواهد و اسناد تاریخی موجود به اثبات می‌رساند، نقش دین در تداوم عمل ختنه تعیین‌کننده بوده است به طوریکه در طول تاریخ همواره افرادی بوده و هستند که این عمل را انجام می‌دهند، بی آنکه جز پیروی از دستورات دینی، دلیل مشخص و روشنی درباره آن داشته باشند. برخی پاسخ‌های مادران و پدران به پرسش‌نامه عمومی این پژوهش درباره اینکه چرا فرزندان خود را ختنه کرده‌اند نیز بر این موضوع صحه می‌گذارد. مرد 65 ساله دیپلم، ساکن کانادا در این باره می‌گوید:

«یه چیزی بوده بالاخره رایج بوده بالاخره تو یک جامعه مذهبی بودیم اینم ارتباطی داشت با مذهب. یعنی همون موقع‌ها میشنیدیم اونایی که مثلاً دینشون فرق میکنه با ماها، الان میگم اعتقادی ندارم اون موقع خب ما به‌عنوان یک شیعه می‌دونستیم که این باید انجام بگیره و این مته یک تشخصه، میدونستیم مثلاً مسیحیها این کار رو نمیکن.»

پدران و مادرانی که به سوالات پرسشنامه این پژوهش درباره دلایل ختنه فرزند خود، پاسخ‌های کوتاه داده‌اند، نقش تعیین‌کننده دین را متذکر شده و خود را بی‌هیچ‌چون و چرایی موظف به انجام دستورات دینی می‌دانند. به‌عنوان مثال زنی 30 ساله اهل بیرجند از استان خراسان رضوی پیروی از شرع را دلیل قاطع خود برای ختنه فرزندش ذکر می‌کند. مردی 29 ساله اهل تایباد از استان خراسان رضوی می‌گوید اطاعت از دین و خانواده دلیل او برای ختنه فرزندش بوده است. همچنین زنی 59 ساله از کاشمر استان خراسان رضوی نیز اسلام و سلامت را به‌عنوان دلایل خود مطرح می‌کند. به‌عنوان مثال زنی 36 ساله از تهران گفته است:

«من پسر رو ختنه کردم و مطمئنم که باید این کار را می‌کردم چون ختنه سنت پیامبر هستش و ما وظیفه داریم بچه‌هامون رو ختنه کنیم. اگر روزی هم پسر از من سوال کنه که چرا من رو ختنه کردی حتما بهم میگم چون تو مسلمان هستی و اگر ختنه نمی‌کردی نمی‌توانستی داماد شی و نماز قبول نبود.»

عادی‌انگاری عمل ختنه به دلیل استیلای دین و مذهب بر زندگی انسان در کنار ناآگاهی، عواملی است که دکتر علیرضا کرمانی جامعه‌شناس حوزه کودک، از آن‌ها به‌عنوان مهمترین دلایل استمرار ختنه در طول تاریخ یاد می‌کند:

«ما در فضایی بزرگ شدیم و زندگی کردیم که نه تنها درباره پیامدها و عوارض منفی ختنه چیزی نشنیدیم که آنقدر هم تبلیغات درباره کارکردهای مثبت آن زیاد بوده که تصور می‌کردیم امری طبیعی است و باید انجام شود. من اگر بخوام به هرکدام از دلایلی که باعث تداوم و استمرار ختنه در طول زمان شده‌اند وزن بدهم فکر می‌کنم ناآگاهی و استیلای دین و مذهب بر زندگی انسان در طول سده‌های گذشته و در نهایت شاید چیزی به اسم بیزنس پزشکی در دوره معاصر بتواند از دلایل گسترش و استمرار ختنه باشند.»

فارغ از اظهار نظرهای افراد درباره سکس مردان ختنه نشده و ختنه شده که از تجربیات شخصی آنها برمی آید نمی توان قدرت هنجارهای شرعی و تاثیر آن در انتخاب های افراد را نادیده گرفت. اینجا منظور زنانی هستند که به دلیل موقعیت جغرافیایی و عرف جامعه باید مردی را برای ازدواج انتخاب کنند که ختنه شده باشد حتی اگر بدانند آن مرد عملکرد جنسی فوق العاده ای نخواهد داشت؛ به عنوان مثال می توان به گفته های خانمی 35 ساله اهل جواهرود استان کرمانشاه اشاره کرد:

«در جامعه ما کمتر مردی هست که به سن بزرگسالی رسیده شده باشد ولی ختنه نشده باشد ولی نگاه جامعه به یک مرد ختنه نشده به عنوان یک آدم معمولی ممکنه نباشه. اغلب مردها در سن کودکی ختنه می شوند و اینکه ختنه شده باشن و یا نشده باشن انتخاب خودشون نبوده با این همه انقدر این موضوع توجیه شرعی و عرفی داره که خود به خود روی نگاه جامعه به مرد ختنه نشده تاثیر میگذاره. برای یک زن به خصوص اگر خیلی پایبند به شرع و سنت باشه خیلی اهمیت داره که همسرش ختنه شده باشه. حتی شاید به ختنه نشدن به معنای نقص هم نگاه کنه.»

برای بسیاری از مشارکت کنندگان در این پژوهش، به ویژه آنهایی که تجربه زندگی در غرب را دارند و یا دارای تحصیلات عالی هستند، احترام به هنجارهای مذهبی به معنای تسلیم بودن محض در مقابل آنها نیست. برای فرزند زمان خود بودن آنگونه که دکتر کرمی به آن اشاره می کند باید تفکری در جامعه ایجاد شود که انتقاد از سنت ها و هنجارهای اجتماعی که ریشه در سنت و تاریخ دارند به مثابه خروج از دین و زیرپا گذاشتن اصول جامعه تلقی نشود و این در حالی است که هنجارهای سنتی مثل ختنه به واسطه مشروعیت دینی و قدمتی به درازای طول تاریخ از چنان قدرتی برخوردار شده اند که رویارویی با آنها گاه حتی غیرممکن می باشد. در واقع این به معنای مشروعیت بخشی به عمل ختنه کردن از طریق گفتمان دینی است یا به عبارتی مشروعیت بخشی به هنجارهای اجتماعی است که در ارتباط با این پدیده اجتماعی شکل گرفته اند و به واسطه این مشروعیت بخشی از قدرتی اجتماعی برخوردار شده اند، تا عمل ختنه کردن به مثابه یک امر اجتماعی را به عنوان امری طبیعی جلوه دهند که تبعیت نکردن از آن تابو و توام با گناه و عدول از فرامین دینی/ مذهبی است. سوسن رضایی دانشجوی دکترای شرق شناسی در کلن آلمان معتقد است که یکی از راهکارهای تغییر نگرش جوامع مسلمان و یهود نسبت به ختنه این است که آگاهی پیروان این ادیان را نسبت به کارکرد اجتماعی آن فزونی بخشیم:

«و خب اگر این طوری به ختنه نگاه نکنیم. آن موقع هم می توانیم در مرحله بعد والدین و جامعه را قانع کنیم که اوکی شما ختنه را برای یک هدف اجتماعی انجام می دهید در نتیجه می توان فیزیکش را ملایم تر کرد. یعنی به جای اینکه یک بخشی از پوست یک انسان را ببری می توانی به صورت نمادین یک خراش کوچک بزنی یا به جای اینکه این همه درد به بچه تحمیل کنی با یک جشن، سر و ته ماجرا را هم بیاوری و ورود او را به مرحله جدید جشن بگیری. ولی این چیزی است که یک شبه به دست نمی آید، مرحله به مرحله به دست می آید.»

زمینه های دینی ختنه از چنان اهمیتی برخوردارند که به گمان بعضی این وضعیت باعث شده تا بسیاری از سازمانهای بین المللی با اتخاذ رویکردی محافظه کارانه در عمل راه را بر تدوین سیاست های بین المللی علیه ختنه مسدود کند. به عنوان مثال دکتر رضا یحیایی متخصص کودکان در کانادا درباره دلایل عدم مخالفت با ختنه پسران و سکوت درباره آن از سوی نهادهای مدنی و بین المللی می گوید:

« دلیل اینکه چرا برای مخالفت با ختنه موضع‌گیری مشخصی وجود ندارد، واضح است چون سرشاخه علم پزشکی از دین یهود است و خب هرچیزی که به یهودیت ارتباط پیدا کند، کلاً در معرض مخالفت قرار نمی‌گیرد. این مساله فقط به ختنه محدود نیست و موضوعات دیگری را هم در برمی‌گیرد. درباره ختنه هم از آنجا که باور دینی یهود بر این است که کودکان باید در روز هشتم ختنه شوند، هرکسی خلاف این سخنی بگوید می‌شود یهودستیز.»

این اظهارات ضمن نشان دادن ریشه‌های دینی ختنه به عمل ختنه مشروعیت اجتماعی نیز می‌بخشد. از آنجا که دین و سنت‌ها عمری به درازای تاریخ دارند تغییر آن‌ها حتی در صورتی که وجوه آسیب‌زا بودنشان به اثبات برسد، زمان زیادی نیاز دارند. ختنه نیز به واسطه عمر هزاران ساله و مشروعیتی که از دین گرفته، مساله‌ای است که هرگونه پرداختن به آن باید با در نظر گرفتن همه جوانب باشد. بدیهی است تغییر نگرش مردمی که مساله‌ای مثل ختنه را به‌عنوان جزئی جدانشدنی از سنت و مذهب پذیرفته‌اند نه آسان است و نه یک شبه اتفاق می‌افتد اما روشنگری، آگاهی‌بخشی و آموزش عمومی و مدنی می‌تواند کلید راهگشای این مسیر باشد.

3-5- زیبایی و مد

در آمریکا و دیگر نقاط جهان به خصوص ایران افرادی هستند که با ذکر دلایل پزشکی و بهداشتی اقدام به ختنه فرزندان خود می‌کنند. اشاعه ختنه به دلایل غیر دینی و در کشورهایی که مدرن و توسعه یافته نامیده شده‌اند باعث شده تا بسیاری بدون توجه به تبعات مثبت یا منفی ختنه اقدام به ختنه فرزندان پسر خود به تاسی از کشورهای توسعه یافته‌ای نظیر آمریکا کنند. به نظر می‌رسد شیوع ختنه در جوامع توسعه یافته ظرفیت تبدیل آن به یک مد اجتماعی را افزایش داده است. این بعد از ختنه در گفته‌های برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش مشهود بود که از جمله این سخنان می‌توان به اظهارات شهروندان ایرانی که به پرسشنامه عمومی این پژوهش درباره چرایی ختنه فرزندان‌شان پاسخ داده‌اند، اشاره کرد. در اینجا ختنه به مثابه مد اجتماعی متاثر از رویکرد اجتماعی است که در کنار رویکرد پزشکی مسلط، به عمل ختنه کردن در کشورهای به نسبت توسعه یافته‌تر مشروعیت می‌بخشد. زنی ایرانی 34 ساله ساکن ترکیه در همین باره چنین می‌گوید:

من کاری به اینکه می‌گویند دستور دین هست یا مثلاً از قدیم رایج بوده و اینا ندارم ولی شنیدم که از نظر پزشکی اثبات شده که ختنه کردن سلامتی پسرها رو تضمین می‌کنه الان تو کشورهای اروپایی و آمریکایی هم دارن تایید می‌کنن که ختنه خیلی مثبت‌ه اگه بد بود که تو آمریکا بچه‌ها رو ختنه نمی‌کردن.»

علاوه بر مد انگاری ختنه، برخی باورمندان به ختنه معتقدند این عمل باعث زیباتر شدن آلت جنسی مردانه می‌شود و این باور در افکار عمومی تبدیل به یکی از دلایل تایید ختنه در میان عموم مردم است. از آنجایی که در جهان امروز زیبایی و مد در هم تنیده است و مرز مشخصی بین آنها دیده نمی‌شود، ختنه در عین حال که به مثابه مد اجتماعی مطرح است، به عنوان زیباسازی آلت هم به این عمل دامن زده می‌شود و اینچنین است که مورد اقبال کنشگران اجتماعی قرار گرفته است. برای نمونه می‌توان به سخنان دو تن از زنان مشارکت‌کننده در این باره اشاره کرد:

«ختنه باعث میشه هم آلت تناسلی مرد زیباتر بشه هم از بیماری‌های عفونی پیشگیری می‌کنه.» (زنی 35 از استان کرمانشاه)

«از نظر زیبایی و بهداشتی هم آلت آن‌ها بهتر است و در کل سکس بهتری دارند.» (یک زن ایرانی 36 ساله دانشجو در کلن آلمان)

پزشکی تلاش دارد که تا از طریق تشریح عمل ختنه و اینکه پیامدهای آن قابل درمان و رفع شدن است، اعتماد اذهان اجتماعی را برانگیزد و آن را تقویت کند تا بتواند در مراحل بعدی تبلیغات بواسطه این مشروعیت بخشی با دستاویز پزشکی، با تاثیر اجتماعی بالاتری کنشگران اجتماعی را به این عمل به مثابه یک عمل طبیعی و ضروری و نه برساخته‌ی اجتماعی، ترغیب نماید. توجیهات پزشکی اگر چه عمدتاً از سوی افراد صاحب صلاحیت علمی و از مجاری مشخصی همچون مقالات علمی و پژوهشی در جامعه منتشر می‌شوند اما این گزارشها عمدتاً دست‌مایه تبلیغاتی می‌شود که سعی در پنهان‌سازی اهداف تجاری مراکزی چون کلینیک‌های تخصصی ختنه دارند. این مراکز با استفاده از گزارش‌های علمی و استفاده از اصطلاحاتی چون «مرکز تخصصی ختنه، ختنه بدون درد، کلینیک تخصصی ختنه، کلینیک ختنه نوزادان در تهران، ختنه اطفال، هزینه ختنه در کلینیک» سعی در ترغیب مردم به ختنه فرزندان پسر خود در این مراکز دارند. این عبارات تبلیغاتی که با جستجوی کلمه «ختنه» در گوگل به دست می‌آیند، علاوه بر اینکه از درآمدزایی این کار حکایت دارند، از رقابت تنگاتنگی خبر می‌دهند که در این عرصه وجود دارد. در صفحات اختصاصی پزشکان و کلینیک‌های مذکور مطالبی درباره نکات مثبت ختنه از جمله پیشگیری از ابتلا به ایدز و سرطان آلت تناسلی وجود دارد اما درباره عوارض و پیامدهای منفی یا اطلاع‌رسانی نشده و یا کمتر صحبت می‌شود. این امر نمایانگر رابطه پزشکی با مافیای اقتصادی تبلیغات و گفتمان‌های مسلط بر صنایع فرهنگی/ مذهبی است و موید آن است که گفتمان پزشکی از ساختارهای ایدئولوژیکی قدرت متأثر بوده و در همدستی و تعامل با آن کارکردهای خود را تنظیم می‌کنند.

6- رویکردهای جامعه‌شناختی در مورد حق بر بدن

موضوع بدن مبحثی است که در اندیشه‌های پیشامدرن در قالب‌های مختلف، خصوصاً در مباحث دینی و الهیات مسیحی بدان پرداخته شده است. در این اندیشه‌ها غالباً "بدن" به عنوان عنصری منفی با قابلیت گناه و کجروی نمود پیدا می‌کند و مانع تعالی روح دانسته می‌شود. در تفکرات پسامدرنیستی، مدیریت بدن، فردانیت، حق مالکیت بر بدن و پایان دادن خودخواسته به زندگی و حیات جسم از مباحث اساسی مورد طرح محسوب می‌شوند. بحث راجع به مالکیت انسان نسبت به بدن خویش همیشه با چالش‌های اخلاقی، مذهبی و فرهنگی و پزشکی همراه بوده است. از میان دیدگاه‌های موجود در جامعه‌شناسی بدن به نظر می‌رسد رویکرد کالبدی، برساخت‌گرایی و رویکردهای ترکیبی مناسب‌ترین رویکردهای نظری برای فهم جامعه‌شناختی یک پدیده متصل به بیولوژی همچون ختنه باشد. در ادامه به آرایه گزارش مختصری از برخی رویکردها پرداخته می‌شود.

جامعه‌شناسی بدن حوزه ای است که از نیمه دوم 1980 به صورت جدی توسط میشل فوکو و بعدها برایان ترنر مطرح شد. هدف این حوزه بررسی و مطالعه تاثیر بدن بر جامعه و تاثیر جامعه بر بدن می باشد. مری داگلاس بدن را یک متن فرهنگی می داند که ضمن انعکاس ارزشهای فرهنگی و اشتغالات و اضطرابات یک فرهنگ خاص، تجلی عینی به آن می بخشد. او روشن می کند که بدن در یک فرهنگ خاص چگونه بازنمایی می گردد و چگونه به مکانی برای شیوه های رفتاری و اعمال دلالت کننده جامعه تبدیل می شود. داگلاس معتقد است که پیکره اجتماعی، نحوه درک بدن فیزیکی را مقید می کند و آنچه از خلال کنش پیکر اجتماعی با بدن فیزیکی حاصل می شود در بدن به عنوان یک رسانه محدود ابراز می شود. از نظر او بدن طبیعی ما توسط قوانین جامعه محدود می شود و شکل می گیرد (فرزانه، 1387) وجود انسانی در بدو امر دارای یک مظهر بدنی است. اعضای مختلف بدن دارای ارزشهای فرهنگی مساوی نیستند و هنجارهای فرهنگی و مذهبی و اجتماعی هر کدام بخشهای متفاوتی از اجزای بدن را عرصه هدفگذاری خود قرار می دهند، مثلاً صورت و چهره بیش از هر عضو دیگری از منظر هنجارهای اجتماعی و دینی محل تمرکز ارزشهاست، احساس هویت شخص بیش از هر عضو دیگر در صورت متجلی است. یا آلت تناسلی محل تمرکز ارزشها و هنجارهای دینی و اجتماعی و حقوقی است (محسنی، 1376) که از این میان ختنه بعنوان بخشی از دستگاه تناسلی، محل مناقشه نهادهای متعددی است و انسان هنجارمند در این میانه مرکز کشاکش ها و تصمیم سازیها قرار گرفته است.

انسان شناسانی چون ایولین رید و مارگارت مید همونوا با میشل فوکو معتقدند که پیکر و کالبد انسانی صرفاً یک مقوله زیست شناختی و یا پزشکی نیست بلکه آزمان که در عرصه تعاملات و زندگی جمعی قرار گرفت و پا به میدان اجتماع نهاد از ابعاد اقتصادی، مذهبی، هنری، سیاسی، حقوقی، نظامی، فرهنگی، طبقاتی، جنسیتی و.... مورد ارزیابی قرار می گیرد از جمله در بعد اجتماعی عرصه تبعیض های جنسیتی و نژادی و طبقاتی، از منظر سیاسی و حقوقی عرصه اعتراض، شکنجه، اعدام..، از منظر هنری عرصه آرایش، نقش و نگار و تزئین های آئینی، از منظر پزشکی عرصه معاینات و اعمال جراحی های ضروری و یا غیر لازم زیبایی شناختی، از بعد نظامی عرصه جنگ و قدرت جنگاوری و جانفشانی، از بعد اقتصادی در معرض کار و بیگاری، از منظر دینی عرصه عبادت و شهادت و انجام مناسک دینی و امر به معروف و... از بعد فرهنگی نماد و نشان رسوم و باورها و سبک زندگی و

علی‌رغم واقعیت‌های نظری فوق، با عنایت به نقش اساسی آگاهی و زبان، به عنوان مؤلفه‌های جسمانی کنترل اجتماعی، می‌توان تحلیل مارکس دربارهٔ تابعیت بدن‌های طبقه کارگر از ماشین، در فرایند گسترش فناوری مربوط به سرمایه داری و چگونگی عقلانی سازی بدن در نظام‌های دیوان سالار، نظیر آنچه در تحلیل‌های ماکس وبر آمده است را از مصادیق توجه غیرمستقیم به بدن در نظریه‌پردازی کلاسیک جامعه‌شناسی دانست. همزمان با چالش‌های فراروی ایده «افتراق طبیعت و جامعه» از سوی علم جامعه‌شناسی، نظریه‌پردازان اجتماعی بدن را از یک سو، نسبت به «کنشگر انسانی» و از سوی دیگر، در ارتباط با «رویه‌های جامعه شناختی» مفهوم سازی کردند (فاتحی و اخلاصی، 1389).

پس از قرن 19 و پیوند رژیم غذایی و علوم تغذیه ای، عقلانی سازی بدن در ارتباط با علم بشر قرار گرفت. در عقلانی سازی به شیوه مدرن، بدن پدیده ای «عمیقاً جنسیتی» فرض می شود که باید متناسب با کارآیی وجوه نظام های اجتماعی جدید سازمان دهی شود. نظام های دیوان سالار از عوامل مؤثر در کنترل بدن، به منظور تعیین چگونگی کیفیت یا کمیت کار روی بدن، فارغ از نیازهای بدنی کارکنان هستند. سازمان های بروکراتیک، بدن های زنان را در مقایسه با بدن های مردان، در کنترل بیشتری قرار می دهند؛ زیرا از زنان انتظار می رود با مدیریت قاعدگی، بارداری و یائسگی، آنها را پنهان نگه دارند. نظام های جهانی، در مدرنیته متأخر، افراد را خارج از موقعیت اجتماعی آنها در معرض خطرات تکنولوژیکی و محیطی روز افزون قرار می دهند و زمینه «جهانی شدن بدن» را فراهم می آورند (Turner, 1987: 123).

در ساخت گرایی اجتماعی بدن شامل معانی اجتماعی است که از سوی جامعه محدود و ابداع می گردد. وجه مشترک نحله های ساختارگرایی، مخالفت با تحلیل بدن به عنوان پدیده زیست شناختی است. از نظر گافمن، موقعیت های اجتماعی تدارک دهنده «تئاتری طبیعی» هستند که نمایش های بدنی در آن اجرا و تفسیر می شود. گافمن با طرح اصطلاح «نمایش دادن خود» و بررسی کنش متقابل اجتماعی بر حسب «پشت صحنه»، «روی صحنه»، «فضای خصوصی» و «فضای عمومی» متناظر با آنها، به کندو کاو در «جسمانیت» می پردازد. از نگاه وی، عاملان بدنی با توسل به روش های علامت دهی اجتماعی، سعی در جلب نظر دیگران به خود دارند. این عاملان بدنی معرف های «تجسد یافته» منش و منزلت اند که توسط کنش گران دیگر تفسیر می گردند (Turner, 1987: 123). از نظر فوکو «روابط قدرت»، نوعی چسبیدگی بلافصل با بدن دارند، به گونه ای که بدن همواره مورد «سرمایه گذاری»، «نشانه گذاری» و «تربیت» قرار می گیرد و برای «انجام وظایف»، «شرکت در مناسک» و «ساطع کردن انواع نشانه ها» تحت فشار قرار می گیرد. هم چنین، «راهنماهای خود» به روش هایی اطلاق می شود که افراد از طریق آن برای رسیدن به حس رضایت روی بدن های خود کار می کنند و افراد تحت تأثیر گفتمان های غالب اجتماعی، سیاسی، فرهنگی بدن های خود را از آنها متأثر می سازند. «خود» های برساخته اجتماع، «بدنی شده» و «متجسد» هستند که از طریق روش های دسته بندی، مدیریت بدن و به انضباط کشیدن آن حاصل می گردد. ویژگی های ظاهری بدن، به افراد قدرت چانه زنی می بخشد و افراد از آن برای سرمایه گذاری استفاده می کنند (ذکایی، 1386: 124). بدن در جریان «قدرت» به صورت گفتمان، از نو تولید و نهادینه می شود. «دانش - قدرت» فرایندی را بنیان می نهد که از طریق آن خود بدن، خودش را به عنوان «ابژه» شناسایی می کند. «خود نظارتی» فرایندی است که در آن «سوژه ها» به عنوان اعضای فعال و آگاه، با مفاهیمی چون «سلامت عمومی» تن به آزمایشات پزشکی می دهند. در این حالت، مرز بین مفاهیم خصوصی و عمومی خدشه دار می شود. سلامت فرد، مسئله ای شخصی نیست، بلکه امری اجتماعی است که نهادهای بسیاری موظف به نظارت بر آن هستند. افراد به عنوان شهروندان مدنی و یا مطیع، نه تنها در برابر این نظارت ها مقاومت نمی کنند، بلکه آگاهانه به آنها تن می دهند. فوکو هدف این تلاش ها را «نظارت بر بدن» می داند. (netelton, 1998: 78).

مری داگلاس بدن را یک متن فرهنگی می داند که ضمن انعکاس ارزشهای فرهنگی و اشتغالات و اضطرابات یک فرهنگ خاص، تجلی عینی به آن می بخشد. او روشن می کند که بدن در یک فرهنگ خاص چگونه بازنمایی می گردد و چگونه به مکانی برای شیوه های رفتاری و اعمال دلالت کننده جامعه تبدیل می شود. داگلاس معتقد است که پیکره اجتماعی، نحوه درک بدن فیزیکی را مقید می کند و آنچه از خلال کنش پیکر اجتماعی با بدن فیزیکی حاصل می شود در بدن به عنوان یک رسانه محدود ابراز می شود. از نظر او بدن طبیعی ما توسط قوانین جامعه محدود می شود و شکل می گیرد. (فرزانه، 1387) وی بر چگونگی «گره خوردن نهادها در ساختهای تشبیه شده به بدن تأکید می کند و کارکردهای اجتماعی نهادها را در ارتباط با «مدیریت اخلاقی بدن» و باز تولید آن می داند. علی رغم اشتراک بدنی انسان ها، شرایط اجتماعی و نمادهای مبتنی بر بدن، که برای بیان تجربه های اجتماعی گوناگون به کار می روند، با هم متفاوت است. داگلاس بدن را نمادی از جامعه می داند. او ضمن بیان این که بدن مستعد ترین تصویر قابل دسترس از نظام اجتماعی است، وجود شباهت های میان ایده های رایج درباره بدن و عقاید مرسوم درباره جامعه را مورد تصریح قرار می دهد. گروه های گوناگون در جامعه، رویکردهایی را درباره بدن می پذیرند که با پایگاه اجتماعی آنها هم خوانی دارد. (فاتحی، ابوالقاسم، اخلاصی، ابراهیم، 1389) از این روی «هر انسانی در حالت نمادین از دو بدن برخوردار است؛ بدن فردی (جسمی و روانی) که با تولد او شکل می گیرد و بدن اجتماعی که در طول زندگی و رشد در یک اجتماع خاص و فرهنگ ویژه پا به منصف ظهور می گذارد» (هلمن، 2007). بنابراین تصور از بدن، خارج از جامعه وجود ندارد و از آنجا که مبنای معرفت بشر نسل به نسل تغییر می کند؛ تصور از بدن نیز همسو با تغییرات اجتماعی در تطور است.

7- حق بر سلامت در قوانین جمهوری اسلامی ایران

در قوانین جمهوری اسلامی ایران اشاره ای به عمل ختنه پسران و اساساً قانونی یا غیرقانونی بودن عمل ختنه نشده است و نمی توان آن را در قالب قوانین، بررسی کرد و خواهان اصلاح آن شد. اما ماده ۲۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مقرر می دارد: قطع عضو یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و حسب مورد مجنی علیه کسی که جرم بر او واقع شده می تواند با اذن ولی امر جانی را با شرایطی قصاص نماید. اما از آنجا که ختنه عملی شرعی و از فقه گرفته شده است بسیاری آن را برای پسران واجب و از شرایط اسلام و مسلمانی می دانند و برخی از فقها نیز آن را امری مستحب می دانند که انجام دادنش بهتر از انجام ندادنش است. بر این اساس و با توجه به اینکه قوانین جمهوری اسلامی، ریشه شرعی دارند و بر اساس همین قوانین، پدر و جد پدری به قدری بر جان و مال فرزندان تسلط دارند که حتی در صورت قتل فرزند، از مجازات مقرر در قوانین جزائی که برای قتل همانا قصاص است، معاف می شوند، چگونه می توان به بحث مسئولیت کیفری پدر در خصوص ختنه و آزار جسمی و روانی فرزندش پرداخت؟ پدران، شرعاً تکلیف دارند که رسم مسلمانی را به جا آورده و به موقع اقدام به ختنه پسران خود نمایند (پراکند، 2018).

با توجه به اینکه ایران به کنوانسیون‌هایی از قبیل میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون بین‌المللی محو همه اشکال تبعیض نژادی و کنوانسیون حقوق کودک پیوسته است می‌توان چنین نتیجه گرفت که این کشور حق بر سلامت را به رسمیت شناخته است و علاوه این‌ها در قوانین و مقررات داخلی نیز موارد متعددی در خصوص سلامت و اقداماتی در جهت بهبود آن برای مردم وجود دارد.

8- کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک

توجه به حقوق کودکان از آن حیث که اقشاری آسیب‌پذیر بوده، توانایی دفاع از خود، درک برخی از فعالیت‌ها و توانایی ابراز رضایت آگاهانه را دارا نمی‌باشند، حائز اهمیت است. متأسفانه کنوانسیون حقوق کودک که از جمله مهم‌ترین اسناد حمایتی در حوزه حقوق کودکان می‌باشد خشونت را تعریف نکرده است و تنها در ماده 9 به ذکر مصادیق آن پرداخته است اما به طور کل یکی از کلید واژه‌های حائز اهمیت در تعریف خشونت، اعمال زور است امری که در این پژوهش به واسطه خاطرات ذکر شده از سوی مصاحبه‌شوندگان با دنبال شدن توسط سایرین برای گرفتن کودک جهت ختنه کردن و یا گرفتن پاها و ... نیز آمده است.

بر اساس بند 3 ماده 24 این کنوانسیون کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم و مناسب را برای زدودن روش معالجاتی سنتی و خرافی در مورد بهداشت کودکان به عمل خواهند آورد. ماده 39 این کنوانسیون نیز بر این مهم تأکید دارد که کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را برای تسریع بهبودی جسمی و روحی و سازش اجتماعی کودکی که قربانی بی‌توجهی، استثمار، سوءاستفاده، شکنجه یا سایر اعمال خشونت‌آمیز، غیرانسانی و تحقیرکننده یا جنگ بوده است، به عمل خواهند آورد. این روند بهبودی و پیوستن مجدد به جامعه می‌بایست در محیطی که موجب سلامت، اتکای نفس و احترام کودک شود، انجام گیرد.

نکته‌ای که در این راستا نباید از نظر مغفول بماند مفهوم کودکی بر اساس تعاریف و اسناد بین‌المللی است؛ ماده یک کنوانسیون جهانی حقوق کودک، هر فرد زیر 18 سال فارغ از اینکه در کدام نقطه جغرافیایی زندگی می‌کند و چه مذهب و نژاد و ملیتی دارد، کودک محسوب می‌شود و دولت‌های امضا کننده کنوانسیون حقوق بشر متعهد شده‌اند سلامت جسم و روح کودکان را تضمین کرده و با هرگونه آسیب رساندن به آن‌ها مبارزه کنند، با توجه به این کنوانسیون و دیگر اسناد حقوق بشری، مصادیق خشونت علیه کودکان در همه جای دنیا یکسان است و فعالان حقوق کودک ختنه را به‌عنوان یکی از این مصادیق برشمرده‌اند.

9- برخی یافته‌های حاصل از مطالعه میدانی

بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش⁴ (1400) که به روش کیفی و بر اساس مصاحبه هدفمند در میان تعدادی از ایرانیان ختنه شده ساکن داخل و یا خارج از کشور انجام شده است حدود 60 درصد افراد مورد مطالعه در

⁴ احمدی، کامیل. 1400. ختنه مردان: انگاره‌ای در حال تغییر.

سنین 5 یا کمتر از آن ختنه شده بودند. نمودار زیر توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه را بر حسب سن ختنه شدن نشان می دهد.

نمودار (2) سن مردان ایرانی در زمان ختنه در بین جامعه تحقیق سال 1399-1400



بر اساس یافته های حاصل از پاسخ افراد به سوال «کجا ختنه شده اید؟» مشخص می شود که 36 درصد آنها در بیمارستان، 24 درصد در منزل، 20 درصد در مطب های خصوصی پزشکان، 8 درصد در کلینیک ها، 4 درصد در درمانگاه ها و حدود 8 درصد هم در مکانهای نامشخص ختنه شده بودند.

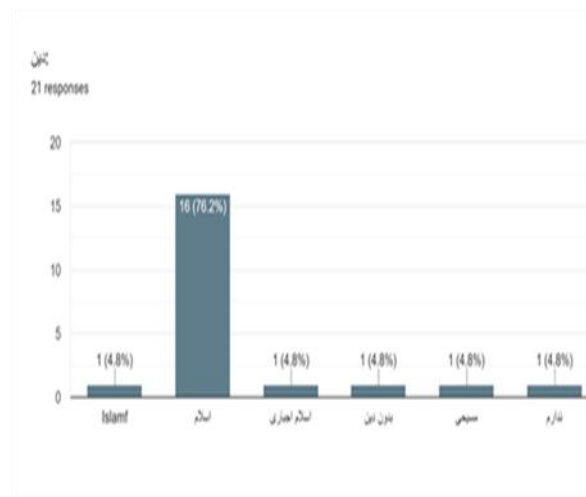
نمودار شماره (3) سن ختنه فرزندان افراد مورد مطالعه در بین جامعه مورد تحقیق سال 1400⁵



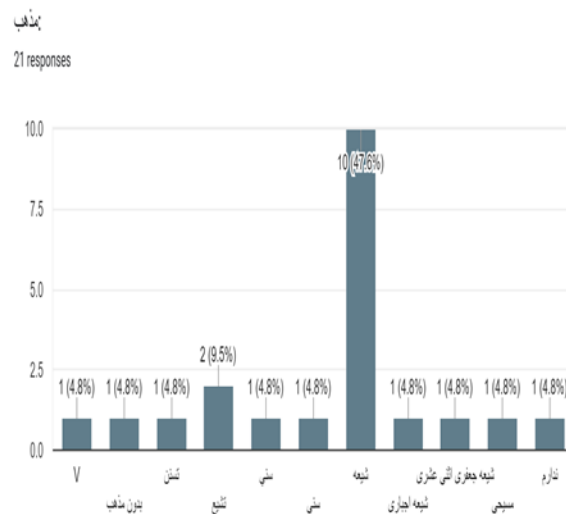
سن ختنه فرزندان پسر بر اساس یافته های پژوهش بدین قرار بود: حدود 50 درصد کل افرادی که فرزندان خود را ختنه کرده بودند این عمل را در سن شش ماهگی یا کمتر از شش ماهگی روی فرزند خود انجام داده بودند.

نمودار (4) فراوانی ختنه مردان بر حسب دین در بین جامعه مورد تحقیق سال 1400

⁵ - این سوال فقط از افراد موافق ختنه و آنهایی که فرزند پسر داشته اند؛ پرسیده شده است.

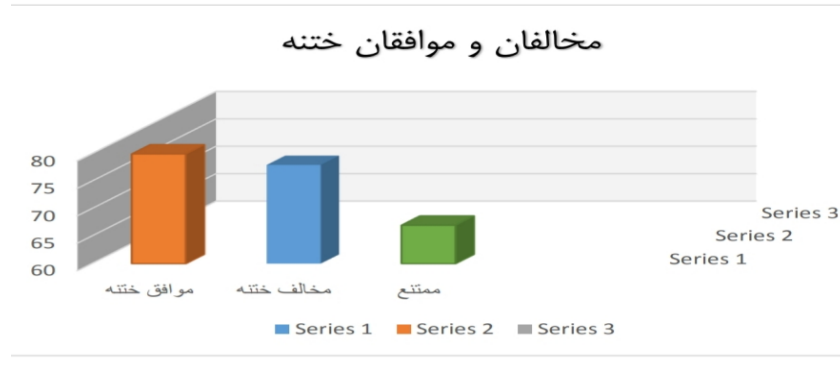


نمودار (5) فراوانی ختنه مردان برحسب مذهب در بین جامعه مورد تحقیق سال 1400



در این پژوهش همچنین از افراد مورد مطالعه سوال شده بود که «آیا با ختنه موافق هستید؟». بر اساس نتایج به دست آمده حدود **80 درصد** پاسخگویان موافق انجام عمل ختنه بودند.

نمودار شماره (6) درصد فراوانی موافقان و مخالفان ختنه مردان در بین جامعه مورد تحقیق سال 1400



بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش فقط 50 درصد پاسخگویان اظهار کرده بودند که فرزند خود را ختنه کرده اند و حدود نیمی از آنها این عمل را روی فرزندان خود انجام نداده بودند. اما حدود 55 درصد همین افراد وقتی از آنها سوال شده بود آیا قصد دارید فرزندان را ختنه کنید پاسخ شان مثبت و حدود 45 درصد آنها پاسخ شان منفی بود. از میان تمامی مصاحبه شوندگان این پژوهش تنها یک نفر اظهار کرده بود کسی را می شناسد که ختنه نکرده است.

10- نتیجه گیری

ختنه به عنوان یکی از قدیمی ترین عمل های جراحی در جهان، سنتی است که در مصر باستان ریشه داشته و با ظهور ادیان ابراهیمی به دین نیز وارد شده است. پیروان یهود این عمل را به عنوان نشانه ای برای ورود فرد به دین یهود قلمداد می کردند و پیروان دین اسلام نیز با وجود اینکه در قرآن هیچ اشاره مستقیمی به ختنه نشده با استناد به روایات و احادیث، این سنت را از طریق الگوبرداری از دین یهود ادامه داده اند اما نکته قابل توجه و مهم این است که برخی پیروان دین یهود ختنه را الزامی نمی دانند و اغلب مراجع دین اسلام نیز ختنه را تکلیفی بر عهده فرد می دانند و نه والدین او، علاوه بر این مهم در استفتائات صورت گرفته نیز شاهد این امر بودیم که مراجع متعددی بر امکان به تعویق انداختن این عمل تا زمان بلوغ و به طور کل تا پایان عمر فرد نیز تاکید کردند. اتکا به این قبیل مسائل بسیار مهم و آگاهی بخشی به والدین دین باور که الزامی به ختنه فرزند خود ندارند و می توانند این اختیار را برای فرزند خود قائل باشند که در بزرگسالی دست به انتخاب بزنند، می تواند گام مهمی در جهت رعایت حقوق انسانی و قوانین بین المللی با رعایت اصول دینی به شمار آید.

تحمیل مذهب و دین به کودکان، آن هم در سن و سالی است که قدرت تصمیم گیری و انتخاب ندارند. والدین دین باور با ختنه فرزندان خود، او را در مسیری قرار می دهند که انتخاب خودش نبوده و این با به رسمیت شناختن حق آزادی و انتخاب دین برای کودک که در ماده 14 به آن اشاره شده، مغایرت دارد. نکته مهم دیگر دستبرد به خصوصی ترین عضو بدن کودک است. اعضای جنسی بدن کودک، متعلق به او هستند و ختنه کودک بدون انتخاب و اختیار او برخلاف ماده 16 کنوانسیون حقوق کودک است که کشورهای جهان از جمله ایران تعهد داده اند به آن

پایبند باشد. در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ایران نیز هرگونه اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی وارد شود، ممنوع اعلام شده است. اتکا به اسناد بین‌المللی مثل پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک و استفاده از ظرفیت‌های موجود در قوانین داخلی مثل قانون حمایت از کودکان و نوجوانان می‌تواند موانع سنتی و مذهبی پیش روی این عمل را از راه برداشته یا تعدیل کند. تاکیدات مذکور، دولتمردان و قانون‌گذاران را یاری می‌دهد که آگاهانه و واقف‌تر عمل کرده و حدود خشونت علیه کودکان و آسیب‌رسانی به آن‌ها را در ابعاد وسیع‌تری مورد توجه قرار دهند.

در مسائلی مثل ختنه از آن‌جا که به طور مستقیم با سلامت جسم و جان افراد ارتباط پیدا می‌کند دولتمردان و قانون‌گذاران، مهم‌ترین وظیفه را بر عهده دارند چرا که در سطوح کلان با وضع قوانین جامع و بازدارنده می‌توانند از آسیب‌هایی احتمالی عمل‌هایی مثل ختنه بکاهند. هرگونه تغییر و اصلاح در قوانین کشور با هدف کاهش این آسیب‌ها گامی روبه‌جلو است. به‌عنوان مثال اینکه ختنه بد قابل‌پیگیری و مطالبه حق و مجازات قانونی باشد نیز می‌تواند راهگشا باشد. به طور یقین در مسیر تغییر و اصلاح قانون نیز باید دیدگاه‌های مختلف، اعم از موافقان و مخالفان ختنه در نظر گرفته شده و با تجمیع آن‌ها قوانینی به تصویب برسد که هدف اصلی آن تضمین سلامت افراد باشد. باید توجه داشت که قانون اگرچه به تنهایی نمی‌تواند موثر واقع شود اما به خاطر ماهیت فرهنگ‌ساز بودنش می‌تواند در بلندمدت اثربخشی مطلوبی داشته باشد و جامعه را در مسیر انسانی‌تری قرار دهد. اگرچه در اسناد و قوانین ملی و بین‌المللی به مساله ختنه و ناقص‌سازی جنسی پسران به طور مستقیم اشاره‌ای نشده اما مبارزه با هرگونه خشونت علیه کودکان که سلامت جسم و روان آن‌ها را به خطر بیاندازد، همواره مورد تاکید قرار گرفته است. کنوانسیون جهانی حقوق کودک به‌عنوان بالاترین سند قانونی در حمایت از کودکان در ماده 19 کشورهای عضو را متعهد کرده تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روانی انجام دهند. این پیمان‌نامه جهانی در بند یک ماده 14 نیز از دولت‌ها خواسته «حق آزادی فکر، عقیده و مذهب را برای کودک محترم بشمارند.» در ماده 16 این کنوانسیون نیز تاکید شده «در امور خصوصی هیچ کودکی نمی‌توان خودسرانه دخالت کرد.» نقطه مشترک همه این دیدگاه‌ها در آن بود که ختنه می‌تواند عوارض و آسیب‌هایی در پی داشته باشد و مصداق خشونت علیه کودکان است.

همانگونه که نتایج پژوهش حاکی است عمل ختنه در جوامعی در حال تداوم است که هم سنت‌ها از قدرت بی‌بدیلی برخوردار هستند و هم استیلای دین در آن‌ها وجود دارد، بستری که دین و سنت در اختیار دین‌فغان ختنه قرار داده؛ باعث شده آگاهی عمومی نسبت به آن گسترش نیافته و پیامدها و عوارض آن افشا نشود. در واقع جریان آزاد اطلاعات شکل نگرفته و جامعه با موجی از تبلیغات وسیع درباره نکات صرفاً مثبت ختنه مواجه است اما درباره نکات منفی آن کمتر اطلاع‌رسانی می‌شود. تغییر و اصلاح نگرش در چنین جامعه‌ای که صدای موافقان ختنه و دین‌فغان آن به مراتب بلندتر از مخالفان است، بسیار سخت و بسی طولانی است. اما از آنجاکه نسل جوان، پتانسیل بازنگری و خوانش جدید موضوعات و نیز کنار زدن کلیشه‌های سنتی را داراست می‌توان امیدوار بود که روشننگری و آگاهی بخشی مثمر ثمر واقع شود. با استفاده از این پتانسیل می‌توان برای هدایت جامعه به سمت و سویی که

آزادی و اختیار و انتخاب عمل را برای کودکان قائل باشد تلاش و روند تغییر را تسریع کرد. در این راه نقش و سهم کنشگران، سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه مدنی اهمیت بسیاری دارد. آن‌ها باید برای شکستن تابوهایی که مستقیماً حقوق کودکان را نشانه گرفته است تلاش کنند، مطالبه‌گری آن‌ها از نهادهای مسئول، دولتمردان و قانون‌گذاران می‌تواند به تصویب قوانین حمایت‌گرانه از کودکان و نیز چرخش آزاد اطلاعات در جامعه منتج شود.

11- برنامه‌های عملیاتی برای مبارزه و کاهش آسیب‌های ناشی از ختنه مردان

1- تجربه موفق مبارزه با ختنه زنان درباره ختنه پسران نیز می‌تواند الگوبرداری شده و سازمان‌های مدنی و مدافعان حقوق زنان و سایر فعالان اجتماعی می‌توانند در کنار مبارزه با ختنه زنان، درباره ختنه پسران نیز روشنگری کرده و آن را مورد تمرکز قرار دهند. نخستین گام هم می‌تواند روز ششم فوریه هر سال باشد که به‌عنوان روز جهانی مبارزه با ختنه زنان نام‌گرفته و فعالان مدنی و حقوق زنان می‌توانند این روز را به روز جهانی مبارزه با ختنه تغییر دهند و به طور موازی با هرگونه ناقص‌سازی درباره پسران و دختران مبارزه کنند یا کمپین‌ها و کارزارهایی در مبارزه با این عمل به راه اندازند.

2- وزارت بهداشت به‌عنوان ارگان رسمی بهداشت و درمان در کشور همچون دیگر کشورها وظیفه دارد تا مادامی که موضع‌گیری رسمی از سوی نهادهای بین‌المللی و عالی‌ترین مقام قضایی کشور مبنی بر ممنوعیت و یا عدم ممنوعیت این عمل اتخاذ نشده است در بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با ختنه دیدگاه‌های مختلف اعم از موافق و مخالف را لحاظ کند. وجهتی که وزارت بهداشت به شکل رسمی به این عمل داده و مجوزهایی که برای تأسیس مراکز و کلینیک‌های ختنه صادر می‌کند نشان می‌دهد که چرخش آزاد اطلاعات وجود ندارد. سیاست‌گذاری وزارتخانه‌ای باید به سمت و سویی باشد که عموم مردم دسترسی کامل و جامع به اطلاعات صحیح و صادق پزشکی پیدا کنند و با علم به این اطلاعات جامع درباره ختنه فرزندان خود تصمیم بگیرند. کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز می‌تواند پیگیر این مطالبه از وزارت بهداشت باشد.

3- بهزیستی به‌عنوان متولی اصلی حمایت از حقوق کودکان در کشور باید با رعایت استانداردهای جهانی سلامت که دربرگیرنده توأمان سلامت روح و جسم است، علاوه بر ارائه خدمات مشاوره‌ای و سلامت به والدین به این موضوع از جنبه‌های دفاع از حقوق کودکان ورود پیدا کند و مطابق با نظریات متخصصان و کارشناسان برای کاهش آسیب‌ها و عوارض ختنه راهکار ارائه دهد. انتشار اطلاعات به روز و جامع درباره ختنه و حقوق کودکان و تلاش برای روشنگری عمومی می‌تواند در ردیف وظایف این نهاد تعریف شود.

4- انجمن‌های علمی و دانشگاهی وظیفه دارند این موضوع را مورد توجه قرار داده و آن را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار دهند، یافته‌های مطالعاتی آن‌ها از آنجاکه برگرفته از مستندات علمی و تحقیقی است می‌تواند به‌عنوان منشور اجرایی در اختیار قانون‌گذاران و دولتمردان قرار بگیرد. برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های علمی و تدوین مقالات، پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌هایی با موضوع ختنه از نظرگاه‌های پزشکی، روانشناسی، اجتماعی و

حقوقی از جمله اقداماتی است که می‌تواند انجام گیرد و جامعه را برای مواجهه علمی با این موضوع به دور از هرگونه تعصب آماده کند.

5-کنشگران اجتماعی و فعالان حقوق کودک باید به نقش تاثیرگذار خود در آگاهی بخشی و روشنگری عموم جامعه توجه ویژه داشته باشند و با علم به اینکه گاهی قوانین، حتی در صورت پیشگیرانه و بازدارنده بودن، عقب‌تر از جامعه هستند باید به میدان آمده و با بیرون آوردن این موضوع از پستو، راه را برای گفت‌وگو درباره آن باز کنند.

Cultural pathology of male circumcision in Iran with a focus on child rights and Right on the body

Abstract

Circumcision is one of the most important and common events in the childhood of boys and an ancient ritual in some societies of the world today, especially in Iran, which despite the violation of various aspects of children's rights, is still prevalent; The problematic dimensions and its overt and covert consequences have not been produced. In traditional societies, the operation is performed on a private part of the child's body with a special ritual aimed at reducing the child's anxiety to enter adulthood, but in contemporary society, every person is under 18 years old and any change in his body without the intervention and permission of the child And holding circumcision ceremonies is not only a violation of the rights of the child but also has an anti-educational nature. The child and the right to the body to help formulate effective programs and policies to reduce and eliminate its negative consequences. For this purpose, apart from documentary and library studies and using field research with a qualitative approach to evaluate the experiences of participants based on purposeful interviews among a number of circumcised Iranians living at home and abroad and also interviews with some experts and scholars paid. As the available field evidence and historical documents show, the role of religion in the continuation

of the practice of circumcision has been decisive, so that throughout history there have always been and are people who perform this practice without following a religious command, a clear reason about Have it. Institutionalized beliefs about religion and culture about the positive consequences of circumcision lead some individuals and social groups to accept the possible side effects of circumcision and to do so on medical advice and for medical reasons. They are scientifically competent and are published in certain channels such as scientific and research articles in the society, but these reports are mainly used as propaganda that try to hide the commercial goals of centers such as specialized circumcision clinics. This shows the medical relationship with the economic mafia of advertising. And the discourses that dominate the cultural / religious industries and confirm that the medical discourse is influenced by the ideological structures of power and regulates its functions in cooperation and interaction with it and enters the field of health for legitimacy and builds the trust of social minds. Acceptance of this action as a natural and necessary action and not a socially constructed one encourages.

Keywords: Male Circumcision, Right to Body, Child Rights, Cultural Pathology, Iranian Society

فهرست منابع

1. آزاد، حسن، (1377)، گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی ایران: پشت پرده‌های حرمسرا، ناشر: انزلی.
2. اکرفاف، جرج؛ کرانتون، راشل (1395)، اقتصاد هویت، ترجمه مهدی فیضی، انتشارات نگاه معاصر.
3. اصلانی، سیاوش (1397)، حق بر سلامت: تاثیر موازین بین المللی در حق بر سلامت به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر در حقوق عمومی ایران، انتشارات آیدین.
4. احمدی، کامیل (1394)، به نام سنت: پژوهشی جامع در باب ختنه زنان در ایران، نشر شیرازه.
5. احمدی، کامیل (1394)، پژوهشی جامع در باب ختنه زنان و دختران در ایران/ نشر شیرازه.
6. اربابی، امیرهوشنگ (1379)، ختنه نوزادان با پلاستی بل، مزایا و عوارض آن: بررسی هفت ساله در زایشگاه شهید اکبر آبادی تهران، مجله دانشگاه علوم پزشکی ایران، سال هفتم، شماره 21.
7. اسلامی، رضا؛ آجلی لاهیجی، مهشید، (1394)، چالش‌های توسعه اجتماعی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، با تاکید بر حق بر آموزش، حق بر بهداشت و رفع فقر، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره 74.
8. آزاد، حسن (1377) گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی ایران: پشت پرده‌های حرمسرا. انتشارات انزلی. چاپ هشتم.
9. بیتس، دانیل، (1385)، انسان شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

10. پارسا فرزاد ، ریواریوسف پناه. 1391. بررسی حکم ختنه در فقه مذاهب اربعه اهل سنت. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانشگاه کردستان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی
11. پراکند، مهناز، (2018) تسلط شرعی پدر مانع تقویت قوانین ضد ختنه در ایران، مجله حقوق ما.
12. توحیدی، ابوحیان، (1964)، البصائر و الذخائر، دمشق.
13. رید، اتولین، (1363)، انسان در عصر توحش، ترجمه محمود عنایت، تهران: هاشمی.
14. روح الامین، محمود، (1364)، انسان شناسی، تهران: زمان.
15. رئیسی، حسین، (1396)، بدن من حق من: درآمدی بر حق مالکیت بر بدن، ماهنامه خط صلح.
16. فاتحی، ابوالقاسم، اخلاصی، ابراهیم، (1389)، "گفتمان جامعه شناسی بدن"، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، شماره دو،
17. فروید، زیگموند، (1348)، موسی و یکتاپرستی، ترجمه قاسم خاتمی، نشر جامی.
18. فرزانه، حمیده، (1387)، زنان و فرهنگ بدن: زمینه های انتخاب جراحی های زیبایی در زنان تهرانی، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره 4 سال یازدهم، ص 45-61.
19. فلور، ویلم (2010)، تاریخ اجتماعی روابط سکسی در ایران، ترجمه محسن مینو خرد، نشر اینترنتی.
20. کاظمی، سیمین، (1398) بدن آرمانی، مردانگی و جامعه مصرفی، سخنرانی در انجمن جامعه شناسی ایران.
21. کرمی، اکبر، (1397)، ختنه فریضه مذهبی یا نقض حقوق کودک ، مصاحبه با رادیو فردا.
22. گیدنز، آنتونی، (1376)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
23. مورگان، هنری، (1371) جامعه باستان، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: پژوهشگاه.
24. محسنی، منوچهر، (1385) ، جامعه شناسی بدن، تهران: طهوری.
25. یوسفی اشکوری، حسن، (1397) ختنه پسران و حقوق کودک مجله حقوق ما، شماره ۷۸.
26. قرآن
27. اعلامیه جهانی حقوق بشر
28. سازمان بهداشت جهانی
29. ذکائی، محمدسعید، (1387) ، جامعه شناسی جوانان ایران، تهران، انتشارات آگه.

